



کنفرانس هجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) برگزار شد

رهبیری سازمان به روال همیشگی، سه ماه قبل از برگزاری کنفرانس، اسنادی که کنفرانس باید روی آن‌ها بحث و تصمیم‌گیری می‌کرد، در اختیار اعضا و پیش‌عضوهای سازمان قرار داده بود که برای بحث و بررسی و همچنین ارائه قطعنامه‌های پیشنهادی فرصت کافی وجود داشته باشد. این اسناد شامل گزارش عملکرد تشکیلاتی سازمان، قطعنامه در مورد چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران و وظایف سازمان، قطعنامه در مورد جنبش کارگری، قطعنامه در

هجدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)، نیمه اول آبان ۱۴۰۰ به مدت ۳ روز برگزار شد. کنفرانس که عالی‌ترین ارگان سازمان است، هر دو سال یکبار برگزار می‌شود و عملکرد تشکیلاتی و سیاسی سازمان و کمیته اجرایی که رهبری تشکیلات را در فاصله دو کنفرانس بر عهده دارد مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کنفرانس همچنین وظایف سیاسی و تشکیلاتی و تاکتیک‌های سازمان را در دوره دو سال آینده، تعداد اعضای رهبری جدید را تعیین و انتخاب می‌کند.

در صفحه ۳

کارنامه رئیسی، همان کارنامه چهل و چند ساله جمهوری اسلامی

چند روزی بیش به صد روزگی کابینه رئیسی باقی نمانده است، اما برای ارزیابی کارنامه او، از ابتدا نیز، نیازی به انتظاری صد روزه نبود. این کارنامه، در واقع، همان کارنامه‌ی چهل و چند ساله‌ی جمهوری اسلامی است. رئیسی پیش و پس از "پیروزی در انتخابات" شعارها و وعده‌های بسیاری را مطرح کرد، از "مبارزه با فساد" تا "گشت ارشاد برای مدیران"، از "ریشه‌کنی فقر" تا "پرداخت حقوق کارگران و معلمان متناسب با تورم"، از "ساخت سالی ۱ میلیون مسکن" تا ایجاد "۴ میلیون شغل"، از "رونق بخش تولید" تا "رفع تحریم"، از "حرف‌های صادقانه با مردم" تا "عدم فیلتر فضای مجازی"، از "آزادی اجتماعی و صیانت از حقوق بانوان" تا "حل مشکل همه اقشار جامعه" از "کاهش هزینه سلامت و درمان" تا "جبران آسیب‌های وارده به مردم به دلیل کرونا". خلاصه این رئیس جمهور رژیم، همچون همپالکی‌های سابق‌اش از شعاردهی و وعده‌پراکنی دریغ نکرد. گرچه به رغم وعده‌ها و دستکاری‌ها و آمارسازی‌ها، سران رژیم در نهایت توانستند آمار "مشارکت" را تنها به ۴۸ درصد برسانند.

شعارها و وعده‌های نسیه‌ی رئیسی نیز به جز ابلهانی هنوز امیدوار یا باورمند به بقای جمهوری اسلامی، توده‌های مردم را نفرینند؛ چرا که کارگران و زحمتکشان با استمرار

در صفحه ۲

پیام شرکت کنندگان در کنفرانس هجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) به خانواده‌های جان فشانندگان فدائی، زندانیان سیاسی و خانواده‌های جنبش دادخواهی

در صفحه ۱۱

قطعنامه در مورد چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران و وظایف سازمان ما

۱۶

قطعنامه در مورد جنبش کارگری

۸

قطعنامه در مورد جنبش زنان

۱۰

برنامه سازمان فدائیان (اقلیت)

۴

پیام اعضا و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور به هجدهمین کنفرانس سازمان

۲

پیام از طرف گروهی از کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت و گاز و حفاری به کنفرانس ۱۸ سازمان فدائیان (اقلیت)

۹

پیام فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور به هجدهمین کنفرانس سازمان

۱۲

پیام فعالین کارگری جنوب به هجدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

۷

پیام هسته‌ی امیر پرویز پویان به کنفرانس ۱۸ سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۵

کارنامه رئیسی، همان کارنامه چهل و چند ساله جمهوری اسلامی

اعتصابات و اعتراضات و تجمعات نشان دادند که به این وعده امید و توهمی ندارند. کارنامه کوتاه کابینه رئیسی نیز روشن بینی و آگاهی توده‌ها را به اثبات رسانیده است.

خبر انتصابات فامیلی و جناحی و انتشار اسناد محرمانه از میزان حقوق و مزایای برخی مدیران در دولت سیزدهم، در هفته‌های اخیر، چنان اقتضای بالا آورد که حتا صدای تعدادی از حامیان وی را نیز درآورد. رئیسی، مدعی "مبارزه با فساد" و "باندبازی" پس از بالا گرفتن جنجال‌ها، آن‌ها را "فضاسازی" خواند.

وعدهی "ریشه‌کنی فقر" و "پرداخت حقوق کارگران و معلمان متناسب با تورم" نیز سرنوشت بهتری نداشته‌اند. طبق گزارش وزارت کار در مهر ماه، بیش از یک سوم جمعیت ایران در "فقر مطلق" زندگی می‌کنند و در سال ۹۹ نزدیک به ۲ میلیون نفر بر اثر عوامل مختلف از جمله کرونا بیکار شده‌اند. با وجود این در همین مدت کوتاه، و به رغم وعده کنترل سقوط بورس و مهار تورم، سرعت سقوط شاخص‌های بورس و افزایش تورم چنان شدید است که برخی نمایندگان حامی رئیسی نیز زبان به انتقاد گشوده‌اند. با این وجود، کابینه رئیسی حاضر نیست به بهانه تورمزایی و افزایش نقدینگی، دستمزدها و حقوق‌ها را متناسب با تورم افزایش دهد. اکنون نیز در صورت اجرای طرح مشترک دولت و مجلس مبنی بر حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی انتظار می‌رود قیمت کالاهای اساسی با انفجاری جدید روبرو شود.

"ساخت سالی ۱ میلیون مسکن" با کمبود بودجه کنونی دولت همان قدر واهی است که ایجاد "سالی ۱ میلیون شغل" در شرایط رکود اقتصادی کنونی ایران. گو آن که وعده‌های رئیس جمهورهای پیشین رژیم نیز در این موارد پوچ از آب درآمده بودند. به فرض آن که رفع تحریم تأثیری رونق‌زا در رشته‌های محدودی از تولید داشته باشد، اما برای "رفع تحریم"، کابینه رئیسی و مجلس اصول‌گرا نه اختیاری از خود دارند و نه تعجیلی. بسیاری از اعضای کابینه و مجلسیان اصول‌گرا، پیش از این بارها و بارها به تلاش‌های کابینه روحانی برای رفع تحریم‌ها تاخته بودند. گذشته از آن، سیاست‌های تنش‌آفرین، رژیم را در منطقه و عرصه بین‌المللی و روابط خارجی با مشکلات و بحران‌های متعددی مواجه ساخته است.

یکی از جلوه‌گاه‌های "حرف‌های صادقانه" رئیسی با مردم، "طرح صیانت از فضای مجازی" همدستانش در مجلس است که هم دسترسی به شبکه اینترنت جهانی و هم آزادی بیان را محدودتر خواهد کرد. گو آن که پیش از "انتخاب" رئیسی، همدستان نظامی‌اش در سپاه،

پیام اعضا و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور به هجدهمین کنفرانس سازمان

با درودهای کمونیستی و انقلابی!
رفقا!

برگزاری هجدهمین کنفرانس سازمان را به شما به کارگران و زحمتکشان و به همه نیروهای کمونیست و انقلابی و عموم توده‌ها تبریک می‌گوئیم.

رفقا!

هجدهمین کنفرانس سازمان در زمانی برگزار میشود که جامعه وارد مرحله حساس سیاسی و انقلابی شده، اوضاع بیشتر از هر زمان دیگری ناپایدارتر و رژیم در استیصال کامل است. جامعه در آستانه تغییر و انقلاب آغوش خود را به روی ما گشوده است.

ما یقین داریم که رهنمود حاصل کنفرانس سازمان که برگرفته از شرایط عینی جامعه است، بمثابة ابزار و اهرمی در دستان آزموه کارگران و زحمتکشان و توده‌های استثمار شده، بر علیه رژیم در حال اضمحلال سرمایه داری جمهوری اسلامی در این مرحله تاریخی بکار گرفته می‌شود. رفقا! ما اعضا و هواداران سازمان داخل کشور، هجدهمین کنفرانس سازمان را گرمی می‌داریم و به شما و همه کارگران و زحمتکشان و به همه اردوی انقلاب تبریک می‌گوئیم.

زنده باد انقلاب

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

کار، نان، آزادی - حکومت شورائی

اعضا و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

۱۴۰۰/۷/۲۶

بیماری با وجود افزایش تعداد مبتلایان. تعداد بالای مرگ و میر (به نسبت واکسیناسیون ادعایی) نیز به تردیدهای بسیاری در مورد برنامه واکسیناسیون دامن زده است. آنچه جای شبهه‌های ندارد، فساد عظیم موجود در این زمینه است.

تمام اقدامات کابینه رئیسی در راستای استمرار برنامه‌های فلاکت‌زا و بحران‌آفرین دولت‌های پیشین و وخامت بیشتر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توده‌های مردم است. از این‌روست که از سوی زمره تحقیق و تفحص درباره روحانی و مقامات کابینه‌اش بالا گرفته تا به روال کابینه‌های پیشین ناکارآمدی‌ها و شکست‌های آتی به گردن کابینه‌ی پیشین انداخته شود و از سوی دیگر این کابینه با انباشتن مقامات دولتی از نظامیان و بسیجی‌ها و اقوام و آشنایان، آرایشی نظامی به خود گرفته است تا برای مقابله با خیزش‌های اجتماعی پیش‌رو آماده باشد. در واقع، هراس از خیزش‌های بزرگ آینده کارگران و زحمتکشان و بیم از سرنوشت جمهوری اسلامی است که انتصابات کنونی مقامات مجریه و قضاییه و مقننه در این دوره را به رژیم تحمیل کرده است.

به خبرنگاران در زمینه انتشار خبرهای "نامطلوب" درباره رئیسی هشدار داده بودند و در ماه‌های گذشته نیز بر بگیروبیندها و محدودیت‌های خبررسانی خبرنگاران و رسانه‌ها افزوده شده است.

مضحک نیست، رئیس جمهور رژیمی که مسبب بحران‌های متعدد کنونی و "مشکلات همه اقشار جامعه" است، در صدد "حل مشکل همه اقشار جامعه" برآید؟ یک نمونه آن "طرح حذف شیف‌ت برای زنان" از سوی رئیسی به بهانه "حفظ کرامت زنان" است. طرحی که یکی از تبعات آن، وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی زنان و افزایش فقر در اوضاع اسفناک اقتصادی کنونی است.

آینده‌ی "کاهش هزینه سلامت و درمان" و "جبران آسیب‌های وارده به مردم به دلیل کرونا" را رئیسی بارها در همین مدت کوتاه نشان داده است. از سفر به خوزستان و برگزاری گردهمایی انتخاباتی در اوج کرونا تا انکار کمبود دارو مقابل صف طویل مردم در داروخانه‌ها، از اجرای سیاست‌های بیماری‌گستر نظیر رهاسازی اجرای مراسم مذهبی - سیاسی تا سفرهای استانی و عدم اتخاذ سیاستی مؤثر در کنترل

کنفرانس هجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) برگزار شد

مورد جنبش زنان و اصلاحات و تغییرات برنامه‌های پیشنهادی کمیته اجرایی سازمان بود. در نخستین روز کنفرانس، یکی از رفقای کمیته اجرایی ضمن خوش‌آمد گویی به رفقای شرکت‌کننده و پس از معرفی رفقای که برای نخستین بار در کنفرانس شرکت می‌کردند، از حاضرین خواست از جای خود برخیزند و به یاد رفقای جان‌فشان سازمان و تمامی جان‌فشانان راه آزادی و سوسیالیسم یک دقیقه کف بزنند و به این ترتیب کنفرانس ۱۸ سازمان کار رسمی خود را آغاز کرد.

قبل از هر چیز یک هیئت‌رئیس ۳ نفره انتخاب شد که پیشبرد مباحث کنفرانس را بر عهده گرفت. هیئت‌رئیس در آغاز، آیین‌نامه اجلاس و روال کار آن را که از قبل آماده‌شده و در اختیار این هیئت قرار گرفته بود، به بحث گذاشت. این آیین‌نامه با ۵۴ / ۴ درصد آرای مخالف، ۰۹ / ۹ درصد آرای ممتنع و ۳۷ / ۸۶ درصد آرای موافق، به تصویب رسید.

بخش نخست کنفرانس به گزارش عملکرد تشکیلاتی و سیاسی ارگان‌ها و کمیته‌های سازمان اختصاص یافت. در آغاز یکی از رفقای کمیته اجرایی پیرامون گزارش تشکیلاتی به‌اختصار توضیحاتی ارائه داد. پس‌از آن رفقای حاضر پرسش‌هایی را مطرح نموده و در ادامه، نظرات و انتقادات خود را در مورد گزارش تشکیلاتی عنوان نمودند و در ارتباط با فعالیت‌های آتی سازمان نیز پیشنهادهای خود را مطرح کردند. رفقای حاضر در کنفرانس که گزارش فعالیت سازمان در داخل کشور را باعلاقه دنبال نموده بودند، خواهان توضیحات بیشتری در مورد جزئیات بودند که یکی از رفقای کمیته اجرایی توضیحاتی در این زمینه ارائه داد و به شمه‌ای از فعالیت‌های داخل کشور و نیز برخی دشواری‌ها اشاره کرد که پس‌از آن، کار و فعالیت رفقای داخل کشور به نحو پرشوری مورد استقبال و تشویق و حمایت کنفرانس قرار گرفت. پس از ارائه پاسخ به پرسش‌ها و دو دور بحث و گفتگو پیرامون گزارش تشکیلاتی، هیئت‌رئیس مطابق آیین‌نامه مصوب کنفرانس، کفایت بحث را اعلام کرد و گزارش عملکرد تشکیلاتی به رأی گذاشته شد که با ۷ / ۹۱ درصد آرای موافق، ۳ / ۸ درصد ممتنع و بدون رأی مخالف به تصویب رسید.

بعد از مباحث مربوط به گزارش عملکرد تشکیلاتی و سیاسی سازمان، نوبت به بحث و بررسی قطعنامه‌ها و اصلاحات و تغییرات برنامه‌های رسید. در جلسات بحث مربوط به قطعنامه‌ها و تغییرات برنامه‌های، علاوه بر اعضا، چند تن از رفقای هوادار نزدیک به سازمان نیز حضور و برخی از این رفقا در مباحث مربوطه نیز شرکت فعال داشتند. ابتدا " قطعنامه در مورد چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران و وظایف ما" در دستور کار اجلاس قرار گرفت. از آنجاکه این قطعنامه در مباحث درونی پیش از کنفرانس مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در همین رابطه برخی پرسش‌ها و پیشنهادهایی نیز

مطرح شده بود، ابتدا یکی از رفقای کمیته اجرایی در ارتباط با پیشنهادهای و پرسش‌های مطرح‌شده و همچنین ضرورت به‌روز کردن آن توضیحاتی به اجلاس ارائه داد. سپس بحث و بررسی قطعنامه آغاز شد. رفقای حاضر به‌رغم بحث‌های مربوط به دوره تدارک کنفرانس، فعالانه در مباحثات شرکت نموده و نقطه نظرات و اصلاحات و پیشنهادهای خود را ارائه دادند. در خاتمه مباحثات، این قطعنامه با قید لحاظ نمودن برخی پیشنهادهای به رأی گذاشته شد که با ۳۰ / ۷ درصد مخالف، ۳۰ / ۷ درصد ممتنع و ۴۰ / ۸۵ درصد رأی موافق از تصویب کنفرانس گذشت.

در گام بعدی قطعنامه در مورد جنبش کارگری در دستور کار کنفرانس قرار گرفت. نخست یکی از رفقای کمیته اجرایی توضیحاتی در مورد این قطعنامه و ضرورت به‌روز شدن آن ارائه داد. پس‌از آن طی دو دور بحث، رفقای حاضر در کنفرانس نظرات خود را پیرامون قطعنامه مطرح نموده و پیشنهادهایی نیز برای تکمیل آن ارائه کردند. در پایان این مباحث، قطعنامه در مورد جنبش کارگری توسط هیئت‌رئیس به رأی گذاشته شد که با ۸ درصد آرای ممتنع، بدون رأی مخالف و ۹۲ درصد رأی موافق به تصویب رسید.

دستور کار بعدی کنفرانس، بررسی " قطعنامه در مورد جنبش زنان" بود که در میان سه قطعنامه پیشنهادی بیشترین وقت را به خود اختصاص داد. نخست یکی از رفقای کمیته اجرایی توضیحاتی را پیرامون این قطعنامه ارائه داد. سپس رفقای حاضر در اجلاس به‌ویژه رفقای زن با شور و علاقه و حساسیت و احساس مسئولیت بالا، این قطعنامه را از زوایای گوناگون مورد بحث و بررسی قرار دادند و در ادامه، نظرات و پیشنهادهای خود را برای اصلاح و تکمیل آن ارائه کردند. در انتهای این مباحث، هیئت‌رئیس قطعنامه را با قید لحاظ کردن برخی پیشنهادهای و اصلاحات به رأی گذاشت که با ۲۸ درصد آرای مخالف، ۱۲ درصد ممتنع و ۶۰ درصد آرای موافق به تصویب رسید.

بعد از تصویب قطعنامه‌ها، اصلاحات برنامه‌های پیشنهادی در دستور کار کنفرانس قرار گرفت. از آنجاکه سال‌های زیادی از تصویب برنامه در کنفرانس اول سازمان گذشته بود، کمیته اجرایی تغییر و تدقیق فرمول‌بندی برخی بندهای بخش تئوریک، بخش هدف سیاسی فوری سازمان و افزودن یا حذف بندهایی از بخش مطالبات فوری برنامه، برای پیشبرد بهتر وظایف تبلیغی و تزویجی سازمان ضروری تشخیص داده بود. مضمون پیشنهادهای اصلاحی ارائه‌شده به کنفرانس طی سال‌های گذشته عموماً در نشریه کار و برنامه عمل سازمان تبلیغ و ترویج‌شده یا در کنفرانس‌های پیشین سازمان به‌صورت قطعنامه مجزا تصویب و انتشار یافته بود. اصلاحات پیشنهادی شامل تدقیق یک سری واژه‌ها و بندهای برنامه بود. هیئت‌رئیس تشخیص داد نخست از حاضرین در مورد تغییرات نظرخواهی کند و بر پایه ارزیابی و نطقه نظرات جمع، نکات گرهی و تغییرات

برنامه را که ممکن بود حول آن اختلاف وجود داشته باشد به بحث بگذارد.

براین پایه بندهای اصلاح‌شده برنامه شامل بند یک با ۴ درصد رأی مخالف و ۹۶ درصد رأی موافق تصویب شد، بند ۳ با ۸ درصد مخالف، ۴ درصد ممتنع و ۸۸ درصد موافق به تصویب رسید. بند ۴ با ۴ درصد مخالف، ۴ درصد ممتنع و ۹۲ درصد موافق، بند ۵ با ۸ درصد مخالف و ۹۲ درصد موافق و بندهای ۶ و ۷ با ۴ درصد رأی مخالف و ۹۶ درصد موافق، بند ۸ با ۴ درصد مخالف ۸ درصد ممتنع و ۸۸ درصد موافق تصویب شدند. بند ۱۳ با ۱۲ درصد مخالف، ۸ درصد ممتنع و ۸۰ درصد موافق تصویب شد. هیئت‌رئیس پیشنهاد کتبی یکی از رفقا مبنی بر اضافه شدن ضداقلایی بودن جریان‌های بورژوازی در پایان همین بند را نیز به رأی گذاشت که با ۴ درصد مخالف، ۱۲ درصد ممتنع و ۸۶ درصد موافق تصویب شد.

در بخش مطالبات فوری برنامه سازمان و تأمین آزادی‌های سیاسی، آوردن لغو مجازات اعدام در برنامه که در کنفرانس ۱۴ سازمان قطعنامه مجزایی در این مورد به تصویب رسیده بود، مورد بحث قرار گرفت و پس از پایان اظهارنظرها و مباحثات حول آن رأی‌گیری به عمل آمد. آوردن لغو مجازات اعدام در برنامه با ۸ درصد مخالف، ۱۲ درصد ممتنع و ۸۰ درصد موافق از تصویب کنفرانس گذشت.

در پایان مباحث برنامه‌های یکبار دیگر کلیت برنامه به رأی گذاشت شد که با ۸ درصد ممتنع، و ۹۲ درصد رأی موافق و بدون مخالف از تصویب کنفرانس گذشت.

در فواصل مباحث پیرامون قطعنامه‌ها و اصلاحات برنامه‌های، پیام‌هایی که اعضا و هواداران سازمان در داخل کشور برای کنفرانس ۱۸ ارسال نموده بودند توسط یکی از رفقا قرائت می‌شد که مورد توجه و تشویق شرکت‌کنندگان در کنفرانس قرار می‌گرفت. پیام‌های رسیده از داخل عبارت‌اند از: پیام اعضا و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور، پیام فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور، پیام هسته‌ی امیر پرویز پویان، پیام فعالین کارگری جنوب و پیامی از طرف گروهی از کارگران پیمانی و پروژه‌های نفت و گاز و حفاری. هر ۵ پیام در همین شماره نشریه کار درج شده‌اند.

در کنفرانس ۱۸ به روال معمول کنفرانس‌های سازمان در مورد پیام‌ها نیز پیشنهادهایی مطرح شد که کم و کیف آن به رفقای کمیته اجرایی منتخب این کنفرانس واگذار شد. یکی دیگر از وظایف کنفرانس، انتخاب رهبری جدید سازمان بود که تا کنفرانس بعدی پیشبرد وظایف سیاسی و تشکیلاتی تعیین‌شده از سوی کنفرانس را بر عهده گیرد. این وظیفه نیز با انتخاب ۵ رفیق به‌عنوان کمیته اجرایی سازمان انجام شد. کنفرانس هجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) روز یکشنبه نهم آبان ۱۴۰۰ همراه با سرود انترناسیونال و مشت‌های گره کرده با عزمی راسخ برای پیشبرد اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و کارگری سازمان به کار خود پایان داد.

برنامه سازمان فدائیان (اقلیت)

سازمان فدائیان (اقلیت) که مدافع منافع طبقه کارگر به‌طور اخص و از موضع طبقه کارگر، مدافع منافع عموم توده‌های زحمتکش ایران است، اهداف و مقاصد خود را آشکارا به‌صورت یک برنامه اعلام می‌دارد. این برنامه که در حقیقت کیفرخواست کارگران ایران علیه نظام مبتنی بر ستم و استثمار سرمایه‌داری و سند محکومیت قطعی این نظام محسوب می‌شود، در عین حال، اعلان جنگ نهائی به تمام سرمایه‌داران و کلیه مرتجعینی است که مدافع وضعیت فلاکت‌بار کنونی و نظام مبتنی بر بردگی کار مزد بگیری هستند.

سازمان فدائیان (اقلیت) به‌منظور تحقق این اهداف که چیزی جدا از اهداف و منافع طبقه کارگر نیست، عموم کارگران و زحمتکشان استثمار شده و ستمدیده ایران را به تشکیل و اتحاد حول این برنامه فرامی‌خواند.

۱- توسعه مبارله بین‌المللی و تولید برای بازار جهانی، آن‌چنان مناسبات نزدیکی میان تمام ملت‌های جهان به وجود آورده است که جنبش‌های بخش کبیر پرولتاریا، به ناگزیر می‌بایستی بین‌المللی شود و از مدت‌ها پیش نیز بین‌المللی شده است.

سازمان فدائیان (اقلیت) به عنوان ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران که در سال ۱۲۹۹ تأسیس گردید و یگانه سازمان طبقاتی انقلابی کارگران ایران بود، خود را گردانی از ارتش جهانی پرولتاریا و بخشی از جنبش کمونیستی جهانی می‌داند و برای همان هدف نهائی مبارزه می‌کند که کمونیست‌های سراسر جهان. این هدف نهائی به‌وسیله خصلت جامعه سرمایه‌داری و روند توسعه آن تعیین گشته است.

۲- شیوه تولید سرمایه‌داری که وجه مشخصه اصلی آن تولید کالایی بر اساس روابط تولید سرمایه‌داری است و در آن مهم‌ترین و اساسی‌ترین بخش وسایل تولید و مبادله به اقلیتی محدود تعلق دارد، درحالی‌که اکثریت جمعیت مرکب از پرولتاریا و نیمه پرولتاریا بنا به موقعیت اقتصادی خود ناگزیرند به‌طور مداوم یا متناوب نیروی کار خود را به سرمایه‌داران بفروشند و استثمار شوند و با کار خود درآمد طبقات ثروتمند را به وجود آورند، با تحولاتی که در آغاز دهه چهل در ایران به وقوع پیوست، مسلط شد.

۳- این تحولات که در یک روند رشد تدریجی و طولانی مناسبات تولید کالایی، به شکلی بوروکراتیک و از بالا و نیز نیاز بازار جهانی سرمایه صورت گرفت، مناسبات تولید کالایی را تا اقصا نقاط کشور بسط داد. ایران که تا پیش از رفرم‌های اوایل دهه چهل، به عنوان تولیدکننده محصول واحد نفت در تقسیم‌کار بازار جهانی سرمایه جای گرفته بود، از این پس به نحوی همه‌جانبه‌تر در اقتصاد جهانی ادغام گردید و به آن وابسته شد.

۴- مسلط شدن شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران که با صدور روزافزون سرمایه انحصارات بین‌المللی، گسترش صنعت نوین و استفاده از تکنیک‌های جدید همراه بوده است، به‌طور مداوم منجر به از میدان بیرون رانده شدن مؤسسات کوچک به‌وسیله مؤسسات بزرگ‌شده است. تولیدکنندگان کوچک که یاری مقاومت در برابر مؤسسات بزرگ را ندارند، دائماً خانه‌خوارتر می‌شوند، برخی به پرولتاریا تبدیل می‌گردند، نقش دیگران در عرصه اقتصادی و اجتماعی محدودتر می‌شود و در پاره‌ای موارد به نحو مشقت باری به سرمایه وابسته می‌گردند.

۵- به رغم موانع و محدودیت‌هایی که سرمایه‌داری ایران در مورد اشتغال زنان ایجاد نموده است، پیشرفت‌های تکنیکی که سرمایه‌داران را قادر می‌سازد به نحو فزاینده‌ای از کار زنان و کودکان در روند تولید و مبادله استفاده کنند، سبب شده است که مدام تقاضا برای نیروی کار از عرضه آن عقب بماند، وابستگی کارگر مزدبگیر به سرمایه افزایش یابد و سرمایه‌داران امکان بیشتری بیابند تا درجه استثمار کارگران را بالا ببرند. قدرت جذب بسیار محدود نیروی کار در سرمایه‌داری ایران، این روند را تشدید کرده است.

از این‌رو وجود یک ارتش بزرگ از بیکاران سبب شده است که کارگران با عرضه ارزان نیروی کار خود، در معرض ستم و استثمار شدیدتری قرار گیرند و سطح استثمار آن‌ها فوق‌العاده افزایش یابد.

۶- بحران‌های اقتصادی که در نتیجه تضادهای ذاتی سرمایه‌داری به نحو اجتناب‌ناپذیری به‌طور ادواری بروز می‌کنند و در ایران به علت ساختار به شدت نامتوازن و وابستگی اقتصادی، به‌طور مداوم و کم‌سابقه‌ای تشدید می‌شوند و طولانی‌تر می‌گردند، روند افزایش بیکاری را بازم شدت بیشتری می‌بخشند. بحران‌ها و دوره‌های رکود، از یکسو خانه‌خواری تولیدکنندگان خرد را تشدید می‌کنند و از سوی دیگر باعث افزایش وابستگی کارگر مزدبگیر به سرمایه می‌شوند و با سرعت بیشتری منجر به وخامت نسبی و گاه مطلق وضعیت طبقه کارگر می‌گردند. فقر و بدبختی، عدم اعتماد به آینده و فقدان تأمین اجتماعی به نحو روزافزونی بیشتر می‌شود و نابرابری و شکاف میان ثروتمندان و تهیدستان مدام عمیق‌تر و وسیع‌تر می‌گردد.

۷- از این‌رو به همان نسبت که تضادهای ذاتی سرمایه‌داری رشد می‌کنند و تشدید می‌شوند، بر نارضایتی و اعتراض کارگران افزوده می‌شود، قدرت و همبستگی آن‌ها افزایش می‌یابد، مبارزه آن‌ها با استثمارگران تشدید می‌شود و تلاش برای رهایی از یوغ تحمل‌ناپذیر سرمایه بیشتر می‌شود. در عین حال روند توسعه سرمایه‌داری با تمرکز بخشیدن به وسایل تولید و مبادله و اجتماعی کردن روند کار در مؤسسات سرمایه‌داری، به‌طور مداوم امکان مادی جایگزینی روابط تولید سوسیالیستی را به‌جای روابط تولید سرمایه‌داری، به‌عبارت‌دیگر شرایط مادی انقلاب اجتماعی را که هدف نهائی تمام فعالیت‌های کمونیست‌هاست، هر چه بیشتر فراهم می‌سازد.

۸- انقلاب اجتماعی پرولتاریایی با لغو مالکیت خصوصی، جایگزین کردن مالکیت اجتماعی به‌جای مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله، تولید اجتماعی سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی‌شده تحت مدیریت کارگری، لغو کار مزدی و دگرگونی تمام مناسبات اجتماعی موجود، به نابرابری اجتماعی، استثمار انسان از انسان و تقسیم جامعه به طبقات پایان خواهد بخشید و بدین ترتیب تمام بشریت ستمدیده را آزاد خواهد کرد.

۹- انقلاب اجتماعی نه فقط برای پایان بخشیدن به تضاد خصمانه میان انسان‌ها ضروری است، بلکه به تضاد خصمانه میان انسان و طبیعت، بحران زیست محیطی که جامعه سرمایه‌داری آن را به نهایت خود رسانده و اکنون به یکی از معضلات بزرگ بشریت تبدیل شده است، نیز، پایان خواهد داد.

۱۰- شرط لازم برای انقلاب اجتماعی، دیکتاتوری پرولتاریا یعنی کسب آن قدرت سیاسی است که طبقه کارگر را قادر می‌سازد مقاومت استثمارگران را درهم شکند، وسیع‌ترین دمکراسی را برای کارگران و زحمتکشان تأمین نماید، تمام موانعی را که بر سر راه هدف بزرگش قرار دارد از میان بردارد و به تجدید سازمان‌دهی سوسیالیستی جامعه بپردازد.

۱۱- رهایی طبقه کارگر تنها به دست خود طبقه کارگر میسر است. چراکه تمام طبقات دیگر جامعه علیرغم اختلاف منافع که با خود دارند، همگی خواهان حفظ شالوده‌های نظام سرمایه‌داری‌اند.

۱۲- سازمان فدائیان (اقلیت) وظیفه خود می‌داند که تضاد آشتی‌ناپذیر میان کارگران و سرمایه‌داران را برملا سازد، اهمیت تاریخی و شرایط لازم برای انقلاب اجتماعی را به پرولتاریا توضیح دهد و چاره‌ناپذیری موقعیت توده‌های زحمتکش و استثمار شده دیگر را در جامعه سرمایه‌داری و نیز نیاز به یک انقلاب اجتماعی را برای رهایی آن‌ها از یوغ سرمایه آشکار سازد.

– سازمان فدائیان (اقلیت) تمام توده‌های زحمتکش و استثمار شده را تا آنجا که موضع پرولتاریا را اتخاذ می‌کنند به صفوف خود فرامی‌خواند.

– سازمان فدائیان (اقلیت) خود را موظف می‌داند که در راه تشکیل حزب کمونیست ایران که قادر باشد مبارزه طبقاتی پرولتاریا را در تمام اشکال تجلی آن تا نیل به هدف نهائی رهبری کند، تلاش ورزد.

۱۳- سرمایه‌داری جهانی حدوداً از آغاز قرن بیستم به مرحله امپریالیسم گام نهاده که بالاترین مرحله در تکامل سرمایه‌داری است.

– امپریالیسم آن مرحله از تکامل اقتصادی نظام سرمایه‌داری است که در آن انحصارات نقش تعیین‌کننده یافته‌اند، سرمایه بانکی با سرمایه صنعتی ادغام شده است، صدور سرمایه به کشورهای خارجی ابعاد عظیمی به خود گرفته است و تمام جهان از نظر سیاسی-اقتصادی، میان کشورهای امپریالیست تقسیم شده است.

– در این مرحله از تکامل سرمایه‌داری، جنگ‌های امپریالیستی که بارزترین

برنامه سازمان فدائیان (اقلیت)

- تمام دستگاه بوروکراتیک برچیده خواهد شد و اعمال حاکمیت مستقیم توده‌های کارگر و زحمتکش از طریق شوراها که به‌مثابه نهادهای مقتنه و مجریه هر دو عمل می‌کنند، برقرار خواهد شد.

- سیستم انتصابی مقامات بر خواهد افتاد و انتخابی بودن کلیه مناصب و مقامات جایگزین آن خواهد شد. نمایندگان انتخابی هر لحظه که انتخاب کنندگان اراده کردند، قابل عزل خواهند بود. حقوق مقامات دولتی از متوسط دستمزد یک کارگر ماهر بیشتر نخواهد بود.

- ارتش، سپاه، نیروهای انتظامی، بسیج و کلیه نیروهای مسلح حرفه‌ای مجزا از مردم منحل خواهند شد، نظام وظیفه اجباری ملغا می‌گردد و تسلیح عمومی توده‌ای تحت اتوریته شوراها جایگزین آن‌ها خواهد گردید.

- سیستم قضائی موجود منحل می‌گردد. دادگاه‌های خلق ایجاد خواهد شد. قضات انتخابی و قابل عزل خواهند بود.

- کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و شهروندان شهر و روستا عالی‌ترین ارگان حکومت شورائی خواهد بود.

* سازمان فدائیان (اقلیت) خواستار آن است که حکومت شورایی بی‌درنگ موارد زیر را که خواست عموم توده‌های کارگر و زحمتکش و مردم ستمدیده ایران است، به مرحله اجرا درآورد.

۲ - تامین و تضمین آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک و مدنی مردم ایران

- برابری حقوق کلیه اتباع کشور مستقل از عقیده، نژاد، جنسیت، قومیت و ملیت.

- حق رای همگانی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد که به سن ۱۸ سال رسیده باشند.

- آزادی نامحدود عقیده، بیان و نشر، آزادی مطبوعات، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، آزادی تشکیل و فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، شوراها و کلیه تشکلهای صنفی و دموکراتیک، آزادی تجمع، تظاهرات و اعتصاب.

- مصونیت فرد و محل زندگی او. آزادی مسافرت، اقامت و شغل. به رسمیت شناختن حقوق انسانی و پایه‌ای اقلیت‌های جنسی (دگرباشان جنسی)، ممنوعیت هرگونه تبعیض و نقض امنیت آن‌ها از طریق نفرت پراکنی و اعمال خشونت.

- انحلال تمام دستگاه‌های تفتیش و سانسور، جاسوسی و شکنجه و ممنوعیت بی‌قید و شرط این اقدامات. لغو مجازات اعدام.

جدانی کامل دین از دولت و مدارس:

دولت باید خود را از قید هرگونه دین و مذهبی رها سازد. هیچ دین و مذهبی نباید مورد توجه دولت قرار گیرد. هرگونه امتیاز برای یک مذهب خاص و انحصار مذهب رسمی باید ملغا می‌گردد. هرگونه کمکی از بودجه دولت به نهادهای مذهبی باید مطلقاً ممنوع گردد. ذکر دین و مذهب افراد در اسناد و مدارک رسمی باید منسوخ شود. دین و مذهب امر خصوصی مردم اعلام شود. هرکس آزاد و مجاز باشد که دین داشته باشد یا نداشته باشد، به دینی بگردد یا از آن روی برگرداند.

- مدارس و آموزشگاه‌ها باید مطلقاً غیرمذهبی باشند. تدریس هرگونه امور دینی و انجام مراسم مذهبی در مدارس موقوف شود. مذهب و دستگاه روحانیت مطلقاً نباید هیچ‌گونه دخالتی در امور مدارس و برنامه‌های درسی و آموزشی داشته باشند.

لغو تبعیض بر پایه جنسیت

- لغو هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان.

- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان درازای کار مساوی.

- برخورداری آزاد و برابر زنان از امکان مشارکت در تمام شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و دسترسی به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح.

- لغو تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک‌جانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان، قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز در مورد ارث، مقررات حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و تمام مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و

نمونه آن جنگ‌های جهانی اول و دوم، جنگ‌های منطقه‌ای و نیابتی، بوده است، برای تجدید تقسیم بازارهای جهان، کسب بازارهای جدید، تسلط بر جهان و انقیاد ملل عقب‌مانده، اجتناب‌ناپذیر شده است.

- سطح فوق‌العاده بالای تکامل سرمایه‌داری، تمرکز بسیار عالی تولید که روند اجتماعی شدن تولید را به‌حداعلای خود رسانده است، سلطه انحصارات و سرمایه مالی، فجایع و خطرات زیست محیطی بزرگی که سرمایه‌داری به بار آورده و طبیعت و بشریت را مورد تهدید جدی قرار داده است، رشد میلیتاریسم، خطرات و فجایع جنگ‌های امپریالیستی، موانع عظیمی که امپریالیسم بر سر راه مبارزه اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر پدید آورده است، افزایش هزینه‌های زندگی و فشارهای ناشی از آن، فقر، فلاکت و عدم اعتماد به آینده، همه این عوامل، مرحله کنونی سرمایه‌داری را به عصر انقلاب‌های اجتماعی پرولتاریایی تبدیل کرده است. انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثریت در روسیه، بارزترین نمود آن بود.

- تنها انقلاب سوسیالیستی پرولتاریایی می‌تواند بشریت را از شر جنگ‌ها و تمام مصائبی که امپریالیسم به بار آورده است، نجات دهد.

۱۳- فرارسیدن عصر انقلاب‌های پرولتاریایی، امر آماده نمودن همه‌جانبه پرولتاریا را برای کسب قدرت سیاسی، برانداختن نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم به وظیفه مبرم روز تبدیل نموده است.

انجام این وظیفه، مبارزه همه‌جانبه‌ای را علیه تمام اشکال اپورتونیزم و گسست قطعی از آن‌ها را می‌طلبد که به صورت مختلف موانعی بر سر راه رشد مبارزه طبقاتی، رسالت تاریخی، هدف نهائی و اتحاد و همبستگی بین‌المللی پرولتاریا محسوب می‌گردند.

بارزترین نمونه تحریف بورژوائی سوسیالیسم، سوسیال - دموکراسی و دیگر جریان‌های اپورتونیزم - رفرمیست و ریویزیونیست‌اند که با نفی نظریه‌های عملی دیکتاتوری پرولتاریا، لزوم الغاء مالکیت خصوصی و انکار عصر کنونی به‌عنوان عصر انقلابات پرولتاریایی، مارکسیسم - لنینیسم را نفی و تحریف نموده و سیاست سازش طبقاتی با بورژوازی را در پیش گرفته‌اند. کلیه این جریان‌های بورژوائی در صف ضدانقلاب جای دارند.

- انقلاب اجتماعی ایران جزئی از انقلاب جهانی پرولتاریایی سوسیالیستی محسوب می‌گردد.

* کمونیست‌های کشورهای مختلف در راه رسیدن به هدف نهائی مشترک خود که توسط غلبه شیوه تولید سرمایه‌داری در سراسر جهان معین شده است، ناگزیر از اتخاذ وظائف فوری غیر متشابه‌اند، زیرا سرمایه‌داری در تمام کشورها به یک درجه توسعه‌نیافته و در کشورهای مختلف، در محیط سیاسی و اجتماعی گوناگونی توسعه می‌یابد.

در ایران، جایی که سرمایه‌داری از مدت‌ها پیش، به شیوه تولید مسلط تبدیل شده است و برپائی انقلاب اجتماعی به نیاز مبرم جامعه تبدیل شده است، به علت عقب ماندگی اقتصادی، وابستگی اقتصادی به بازار جهانی سرمایه، بقایای متعدد نظامات ماقبل سرمایه‌داری در روبنای سیاسی که موانع عمده‌ای بر سر راه پیشرفت اقتصادی و بسط کامل و همه‌جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا محسوب می‌شوند، ستم اقتصادی و سیاسی که بر میلیون‌ها تن از توده‌های مردم اعمال می‌شود و دیکتاتوری عربان و عنان‌گسیخته‌ای که به‌مثابه جزء لاینفک روبنای سیاسی سرمایه‌داری ایران، توده وسیع مردم را در ناآگاهی و انقیاد نگاه داشته است، وظیفه سیاسی فوری پرولتاریا، استقرار و تحکیم قدرت شورائی، اجرای بی‌درنگ یک رشته وظایف عمومی و همگانی در سطوح سیاسی، اجتماعی و رفاهی و نیز انجام اقداماتی است که روند انتقال به سوسیالیسم را تسهیل و تسریع نماید.

- بدین جهت سازمان فدائیان (اقلیت) وظیفه فوری انقلاب اجتماعی ایران را که با سرنگونی جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی بورژوازی و برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان آغاز می‌گردد، اجرای بی‌درنگ موارد زیر می‌داند.

۱ - تثبیت و تحکیم حکومت شورائی

- حکومت شورایی که برآمده از قیام مسلحانه توده‌ها و تبلور اراده آن‌ها محسوب می‌گردد، یک دولت کارگری است که طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش از طریق آن، مستقیم و بی‌واسطه اعمال حاکمیت می‌کنند. از این رو در حکومت شورائی :

برنامه سازمان فدائیان (اقلیت)

وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار.

- لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هرگونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن. برخورداری زنان از آزادی انتخاب پوشش.
- ممنوعیت هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، اذیت و آزار و خشونت علیه زنان در محیط خانواده و اعمال مجازات‌های شدید در مورد نقض آن‌ها.
- ممنوعیت ازدواج کودکان تا ۱۸ سال، کودک آزاری و اعمال مجازات‌های شدید در مورد نقض آن‌ها.
- آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود. روابط خصوصی زن باید از هرگونه تعرض مصون باشد.
- به رسمیت شناخته شدن حق سقط جنین، بدون قید و شرط.
- برابری حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل اولاد.

لغو ستم ملی و قومی

- برابری تمام ملیت‌های ساکن ایران و لغو فوری و بدون قید و شرط هرگونه ستم، تبعیض و نابرابری ملی، قومی، فرهنگی و نژادی.
- لغو هرگونه امتیاز برای یک ملیت خاص. هیچ امتیازی به هیچ ملیت و زبانی نباید داده شود. تمام ملیت‌های ساکن ایران باید از این حق برخوردار باشند که آزادانه به زبان خود سخن بگویند، تحصیل کنند و در محل کار، مجامع و مؤسسات عمومی، نهادهای دولتی و غیره از آن استفاده نمایند.
- لغو تقسیمات جغرافیایی و اداری موجود که توسط رژیم‌های ستمگر حاکم بر ایران، مصنوعاً ایجاد شده‌اند. مناطقی که دارای ترکیب و بافت ملی و جمعیتی ویژه‌ای هستند، باید محدوده‌های جغرافیایی خود را توسط شوراهای منطقه‌ای تعیین نمایند و از خودمختاری وسیع منطقه‌ای برخوردار باشند.
- اداره امور مناطق خودمختار، بر عهده شوراهای منطقه‌ای منتخب خود مردم منطقه خواهد بود که بر مبنای اصل سانترالیسم دموکراتیک سازمان می‌یابند.
- مردم مناطق خودمختار از طریق شوراهای منتخب خود، در کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان در تعیین سیاست‌های عمومی و مسائل مربوط به اداره امور سراسر کشور، مداخله خواهند داشت.
- هرگونه الحاق و انضمام اجباری مردود است. اتحاد تمام ملیت‌های ساکن ایران باید دوطرفه و آزادانه باشد.

۳ - اقدامات فوری اجتماعی و رفاهی عمومی

- برقراری یک سیستم تأمین اجتماعی جامع و کامل از گهواره تا گور.
- بهداشت و درمان رایگان، گسترش درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها، گسترش شیرخوارگاه‌ها، مهدکودک‌ها و مؤسسات آموزشی بهداشتی و پزشکی.
- آموزش رایگان و اجباری تا پایان دوره متوسطه، بهره‌مندی تمام دانش آموزان به هزینه دولت از غذا، پوشاک، وسایل تحصیل و ایاب‌وذهاب. برچیده شدن مانع کنکور دانشگاه‌ها تا هر کس بر حسب تمایل و استعدادش قادر به ادامه تحصیلات عالی رایگان باشد.
- دگرگونی بنیادی و انقلابی در نظام آموزشی موجود و اقدام فوری در جهت یک بیکار انقلابی به‌منظور ریشه‌کن کردن بی‌سوادی. برقراری نزدیکترین پیوند بین مدرسه و کار اجتماعی مولد، تلفیق آموزش نظری و عملی.
- ایجاد و گسترش مراکز ورزشی و پرورشی، ایجاد کلوب‌های مختلف هنری و فرهنگی و دیگر مراکز و مؤسسات تفریحات سالم در جهت شکوفایی و رشد و اعتلاء جسمانی، معنوی و فرهنگی جوانان.
- تأمین مسکن و تعدیل اجاره‌ها. همه مردم ایران باید از مسکن مناسب برخوردار باشند. تحقق این خواست توده زحمتکش مردم نیازمند اجرای یک برنامه همه‌جانبه برای تولید انبوه مسکن است. مادام که مشکل مسکن به‌طور بنیادی حل نشده است، اجاره‌ها باید متناسب با سطح دستمزد کارگران تعیین و به مرحله اجرا درآیند و بخشی از هزینه‌های مسکن از طریق یارانه دولتی تأمین گردد.
- تأمین امکانات یک زندگی مناسب برای سالمندان، و کودکان بی‌سرپرست و ایجاد مراکز ویژه برای نگهداری آنان به هزینه دولت.
- ایجاد تسهیلات و امکانات ویژه، برای معلولان.

۴ - اجرای مطالبات مشخص و فوری طبقه کارگر

- ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل پی‌درپی در هفته، یک ماه مرخصی

سالانه با پرداخت حقوق کامل.

- تقلیل ساعات کار روزانه کارگران معادن، صنایع و دیگر بنگاه‌هایی که با شرایط دشوار و مخاطره‌آمیز روبرو هستند به ۶ ساعت کار در روز و ۳۰ ساعت کار در هفته.
- تعیین حداقل دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها و تأمین معیشت یک خانواده ۴ نفره کارگری.
- افزایش پایه دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه‌ها هر سال یکبار.
- احتساب اوقات ایاب‌وذهاب، صرف غذا، سوادآموزی و حمام جزء ساعات کار.
- ممنوعیت کامل اضافه‌کاری.
- ممنوعیت سیستم پرداخت دستمزد به‌صورت جنسی و ممنوعیت قطعه کاری و کار کنتراتی.
- ممنوعیت شبکاری در تمام رشته‌های اقتصادی مگر در مواردی که به دلایل فنی یا رفاهی مطلقاً ضروری است و مورد تأیید تشکلهای کارگری قرار گرفته باشد، آن‌هم حداکثر به مدت چهار ساعت.
- ممنوعیت کار کودکان.
- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل برابر با مردان در ازای کار مساوی.
- مرخصی زنان باردار یک ماه قبل و شش ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان.
- برخورداری زنان از تسهیلاتی چون شیرخوارگاه، مهدکودک، حق نگهداری و رسیدگی به نوزادان در محل کار پدر و مادر یکسان می‌توانند از این تسهیلات برخوردار باشند. احتساب اوقات رسیدگی و سر زدن به نوزادان جزء ساعات کار.
- بهره‌مند شدن کارگران از حق اولاد.
- ممنوعیت کسر دستمزد به بهانه جرمه، خسارت، غیبت و غیره.
- ممنوعیت اخراج کارگران توسط کارفرما و برخورداری نمایندگان منتخب کارگران کارخانه از حق تصمیم‌گیری در مورد اخراج و نظارت بر امر استخدام.
- بیمه کامل اجتماعی کارگران: بیمه بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، امراض ناشی از حرفه و ازکارافتادگی.
- برقراری کنترل کامل و سازمان‌یافته بهداشتی بر کلیه بنگاه‌ها، ایمنی محیط کار، خدمات درمانی و بهداشتی رایگان و پرداخت کامل حقوق دوران بیماری.
- شرایط بازنشستگی برای مردان حداکثر ۵۵ سال سن یا ۲۵ سال سابقه کار، برای زنان حداکثر ۵۰ سال سن یا ۲۰ سال سابقه کار و در رشته‌هایی که با شرایط دشوار، مخاطره‌آمیز و زیان‌آور روبرو هستند حداکثر ۴۵ سال سن و یا ۲۰ سال سابقه کار.
- احتساب ایام بیکاری جزء سابقه کار کارگران.
- تنظیم مقررات و آیین‌نامه داخلی کلیه مراکز تولیدی با نظارت و تصویب نمایندگان کارگران.
- تدوین قانون کار با مشارکت، نظارت و تصویب تشکلهای و مجامع کارگری.
- ایجاد کار برای بیکاران و پرداخت حق بیکاری معادل مخارج یک خانواده ۴ نفره کارگری به کارگران بیکار.
- آزادی تشکلهای کارگری و حق اعتصاب با پرداخت دستمزد کامل کارگران در دوران اعتصاب.
- تساوی حقوق کارگران کشاورزی، حرفه‌ها و امور خدماتی، با کارگران صنعتی.

۵ - اقدامات عاجل برای دموکراتیزه کردن اقتصاد کشور به نفع کارگران و زحمتکشان و تسهیل شرایط برای گذار به سوسیالیسم :

- ملی کردن کلیه صنایع و مؤسسات متعلق به بورژوازی بزرگ، انحصارات امپریالیستی، مؤسسات و نهادهای مذهبی.
- ملی کردن بانک‌ها و تمرکز آن‌ها در یک بانک واحد.
- ملی کردن شرکت‌های بیمه و تمرکز آن‌ها در یک موسسه واحد.
- ملی کردن مؤسسات ارتباطی و حمل‌ونقل بزرگ.
- ملی کردن تجارت خارجی و توزیع برنامه‌ریزی شده کالاها از طریق تعاونی‌ها.
- ملی کردن زمین، مراتع، جنگل‌ها و همه منابع طبیعی و زیرزمینی.
- کنترل شوراهای کارگری بر تولید در کلیه صنایع، کارخانه‌ها و مؤسسات و نیز کنترل توده‌ای بر توزیع.

پیام فعالین کارگری جنوب به هجدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقای سازمان فدائیان (اقلیت) با درود

برگزاری هجدهمین کنفرانس سازمان را به شما، کارگران و زحمتکشان و به کلیه هواداران و دوستداران سازمان فدائیان (اقلیت) و جنبش کمونیستی تبریک می گوئیم.

رفقا! بحران اقتصادی - اجتماعی طولانی کمرشکن و پی آمد آن بحران سیاسی انقلابی موجب رشد و اعتلای مبارزات کارگری و توده ای گردیده است.

ترویج و تحقق دو شعار محوری جنبش کارگری و اجتماعی "کار، نان، آزادی - حکومت شورائی" و برپائی "اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه همگانی" به یک ضرورت فوری و امر روز جنبش تبدیل گردیده است.

ما، "فعالان کارگری جنوب" هجدهمین کنفرانس سازمان شما را تلاشی در جهت تحقق اهداف جنبش کارگری - سوسیالیستی و انقلاب اجتماعی کارگران و زحمتکشان دانسته و برگزاری آن را گرامی می داریم.

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
زنده باد اعتصاب عمومی سیاسی و قیام
مسلحانه همگانی
کار، نان، آزادی - حکومت شورائی
فعالان کارگری جنوب
۲۵ مهرماه ۱۴۰۰



برنامه سازمان فدائیان (اقلیت)

- الغاء اسرار بازرگانی به منظور اعمال یک کنترل واقعی بر تولید و توزیع.
- لغو تمام مالیات‌های غیرمستقیم و برقراری مالیات تصاعدی بر ثروت، درآمد و ارث.
- اجرای اقدامات فوری برای مقابله با بحران زیست محیطی.

۶ - انجام اقدامات فوری به نفع دهقانان زحمتکش و افزایش سطح رفاه مردم روستاها

- مصادره فوری کلیه اراضی، املاک و ابزار و وسایل تولید ملاکین و زمین‌داران بزرگ، موقوفات و بنیادهای متعدد مذهبی.
- در مواردی که این اراضی به شیوه مکانیزه کشت نمی‌شوند، واگذاری آن‌ها به دهقانان متشکل شده در تعاونی‌های دهقانی.
- کنترل شوراهای کارگران کشاورزی بر اراضی مکانیزه و به‌طورکلی زمین‌هایی که به شیوه عالی کشت می‌شوند.
- متشکل کردن دهقانان خرده‌پا در تعاونی‌ها و تشویق دهقانان به کشت جمعی و ایجاد واحدهای بزرگ کشاورزی به‌منظور صرفه‌جویی در کار و هزینه محصولات.
- لغو کلیه بدهی‌های دهقانان به دولت، بانک‌ها و کلیه مؤسسات مالی سرمایه‌داران، ملاکین و رباخواران.
- پرداخت وام به دهقانان و تأمین هرگونه کمک تکنولوژیک از قبیل ماشین‌آلات، کود، بذر و غیره.
- ایجاد و توسعه جاده‌ها، شبکه‌های آبیاری، آبرسانی و برق سراسری در روستاها.
- ایجاد و توسعه مراکز درمانی، بهداشتی و فرهنگی در جهت رفاه ساکنین روستاها.
- برخورداری کارگران روستا از شرایط و مزایای کارگران شهری.

* سازمان فدائیان (اقلیت) وظیفه خود می‌داند که برای شکل‌گیری طبقاتی مستقل پرولتاریای روستا تلاش کند، تضاد آشتی‌ناپذیری را که میان او و بورژوازی دهقانی وجود دارد و نیز نیاز به یک انقلاب سوسیالیستی را توضیح دهد.

۷ - سیاست خارجی

سازمان فدائیان (اقلیت) در زمینه سیاست خارجی خواهان اجرای موارد زیر است:

- حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی از جنبش انقلابی طبقه کارگر در سراسر جهان.
- لغو رسم دیپلماسی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مباحثات، مذاکرات، عقد قراردادهای پیمان‌ها با دولت‌های دیگر.
- لغو کلیه قراردادهای اسارت‌بار و خلاف منافع توده‌های مردم ایران و اقصاء مفاد آن‌ها برای آگاهی عموم مردم.

* سازمان فدائیان (اقلیت) در راه مبارزه به خاطر مطالبات فوق‌الذکر از هر جنبش انقلابی که مخالف سیستم اجتماعی و سیاسی موجود ایران باشد، پشتیبانی می‌کند، اما در همان حال کلیه اقدامات رفرمیستی را که متضمن تثبیت طبقه حاکم یا گسترش مداخلات پلیسی - بوروکراتیک در زندگی توده‌های مردم است، قاطعانه محکوم کرده و مردود می‌شمارد.

* سازمان فدائیان (اقلیت) بر این عقیده تأکید دارد که تحقق مطالبات فوق‌الذکر تنها از طریق سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی به رهبری طبقه کارگر میسر خواهد بود.

مصوب کنفرانس اول سازمان فدائیان (اقلیت) - ۱۳۶۶
چاپ ۱۴۰۰ - با اصلاحات کنفرانس هجدهم سازمان



قطعه‌نامه

در مورد جنبش کارگری

گذاشته‌اند. این اعتراضات پیوسته در حال گسترش بوده‌اند. هزاران اعتصاب و تجمع کارگری در موسسات تولیدی و خدماتی از معدن و فولاد و ذوب‌آهن و سیمان و برق و آب و مخابرات گرفته تا حمل‌ونقل شهری، راه‌آهن، کشت و صنعت‌ها، پتروشیمی‌ها، حمل‌ونقل جاده‌ای، شهرداری‌ها و غیره گویای همین واقعیت است. شمار اعتصابات و کارگرانی که به اعتصاب روی آورده‌اند فزونی گرفته است. شمار اعتصابات و تجمعات بزرگ آنقدر زیاد و آسمان جنبش کارگری چنان غرق ستاره است که نمی‌توان از همه آن‌ها نام برد. ستاره هفت‌تپه در تمام طول این دو سال درخشان بود و در آسمان جنبش طبقه کارگر پرتوافشانی کرد. استمرار مبارزه در هفت‌تپه علیه یکی از سیاست‌های مهم دولت، منجر به خلع‌ید از کارفرمای خصوصی شرکت شد و دولت را وادار به عقب‌نشینی کرد. فولاد، تشعشعات خیرمکننده داشت و با اخراج مدیران عضو باند مافیای فولاد، برگ زرین دیگری بر دفتر مبارزات این کارگران افزوده شد. در هپکو و آذر آب اعتصاب و اعتراض خیابانی دولت را مجبور کرد گام‌هایی به عقب بردارد، گرچه این مبارزه هنوز نهایی نشده است. اعتصابات مکرر و همزمان چندین معدن زغال‌سنگ کرمان از جمله اعتصاب دهم‌روزه ۳۵۰۰ کارگر معادن زغال‌سنگ کوه‌نجان، راور و زرنند کرمان در اردیبهشت ۹۹ تظاهرات خیابانی و مشارکت خانواده‌ها در شرایطی که کرونا همه‌جا گرد مرگ و بازدارندگی پاشانده بود، تمام موانع و محدودیت‌های بازدارنده را از سر راه برداشت. اعتصاب همزمان معادن خصوصی زغال‌سنگ پابدانای جنوبی، چشمه پودنه، گله توت، باب شکون، و چند معدن دیگر در مهرماه سال جاری و همچنین اعتصاب و تجمع و راهپیمایی ۱۲۰۰ کارگر معدن کرومیت آسمینون منو جان و مسدود ساختن جاده و مشارکت فعال خانواده‌ها، اعتصاب چند روزه بیش از ۵۰۰ کارگر پیمانی معدن مس سونگون ورزقان توأم با راه پیمایی و همراهی خانواده‌ها نمونه‌های دیگری از درخشش ستارگان بی‌شمار در جنبش کارگری است. ورود کارگران صنعت نفت به عرصه مبارزه علنی و توده‌ای در تابستان ۹۹ اما جنبش طبقه کارگر را وارد مرحله جدیدی ساخت. ستاره سوزان نفت چنان پرفروغ و درخشنده در جنبش طبقه کارگر ظاهر شد که تابش اشعه آن تا دوردست‌ترین نقاط کشور امتداد یافت. مشعل فروزان نفت همه‌جا را روشن کرد. اعتصاب فراگیر و سراسری کارگران صنعت نفت در همان حال که زنگ بزرگ خطر را برای حاکمیت به صدا درآورد، به‌سرعت در سرتاسر کشور طنین افکند و شور و شوق و امید را در میان کارگران و در مقیاس تمام جنبش کارگری را ورز ساخت. تکرار

بحران زرف اقتصادی و بحران‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از آن، بیش‌ازپیش تشدید شده‌اند. ناتوانی طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن برای حل یا تعدیل این بحران‌ها، جامعه را به آستانه از هم‌گسیختگی کامل کشانده است. تضادهای طبقاتی حدت بیشتری یافته و به نقطه ستیز رسیده‌اند. افلاس و ورشکستگی رژیم در تمام زمینه‌ها در معرض دید همگان قرار گرفته است. تشدید تضادها و بحران‌ها، تشدید فشار و سنگینی مشکلات معیشتی برگزده کارگران و سایر زحمتکشان، کل جامعه را برای راهی از وضع موجود به غلیان درآورده است. شکست سیاست‌های رژیم و جناح‌های آن برای برون‌رفت از بحران و بن‌بستی که تمام نظم موجود در آن گرفتار آمده، اوضاع اجتماعی را به مرحله انفجار نزدیک و نزدیک‌تر ساخته است. از یکسو طبقه حاکم دیگر نمی‌تواند به شیوه‌های گذشته به حاکمیت خود ادامه دهد و از سوی دیگر کارگران و توده‌های مردم زحمتکش نیز نمی‌خواهند و نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند. نه‌فقط مجموعه شرایط آفریننده قیام آبان بجای خود باقی است بلکه موقعیتی که با قیام آبان شکل گرفت نیز کماکان بر جامعه حاکم است. بر بستر همین شرایط متحول پرورنده تلاطمات سیاسی و همین موقعیت انقلابی است که جامعه اکنون در آستانه یک تکان بزرگ اجتماعی قرار گرفته است.

بحران عمیق اقتصادی، بحران کمبود مواد غذایی، بحران کمبود آب و قطع برق، بحران کرونا، گرانی و بی‌کاری و ده‌ها معضل اجتماعی دیگر، زندگی کارگران و سایر اقشار زحمتکش را فلج ساخته است. افزایش روزافزون قیمت‌ها و تورم افسارگسیخته از یکسو و دستمزدهای ناچیز یک‌چهارم خط فقر از سوی دیگر، روزگار ده‌ها میلیون کارگر و خانواده‌های کارگری را سیاه کرده است. کارگران زن و میلیون‌ها کودک کار که مجبورند نیروی کار خود را به ارزان‌ترین حد ممکن به طبقه سرمایه‌دار بفروشند، با شدت و خشونت استثمار می‌شوند و در فقر و فلاکت دست و پا می‌زنند. موقعیت زنان کارگر نه فقط از جهت فروش ارزان‌تر نیروی کار بسیار شکننده است و سرمایه سعی می‌کند به رقابت در میان کارگران دامن بزند، بلکه زنان کارگر به خاطر تبعیضات شدید جنسیتی و نگاه مردانه در محیط‌های کار به شدت در رنج‌اند. معیشت کارگران پیوسته بدتر و سرفه آن‌ها کوچک‌تر شده است. عموم کارگران سال‌به‌سال فقیرتر شده‌اند. فشارهای گوناگون از حد تحمل کارگران فراتر رفته‌اند.

نارضایتی از وضع موجود و اعتراض علیه آن در صفوف کارگران پیوسته بیشتر و متراکم‌تر شده و اعتراضات کارگری در اشکالی گوناگون را در پی داشته است. کارگران به اشکال و شیوه‌های متنوعی از اعتصاب و تجمع و راهپیمایی خیابانی گرفته تا مسدود ساختن جاده و اخراج مدیریت و عوامل کارفرما و امثال آن، اراده خود برای تغییر وضع موجود را به نمایش

اعتصاب سراسری سازمان‌دهی شده تر و در ابعادی گسترده‌تر با حضور بیش از ۷۰ هزار کارگر در بیش از ۱۰۰ شرکت و مؤسسه نفت و گاز و پتروشیمی در تابستان سال جاری (۱۴۰۰) نشان داد که کارگر نفت چنان بااراده و قدرت پای در صحنه مبارزه نهاده است که تا به خواست خود نرسد ترک صحنه نخواهد کرد. سال‌ها بود به‌رغم آنکه مبارزه‌های فعال و پیشرفته در فولاد و هفت‌تپه و هپکو و آذر آب و امثال آن جاری بود اما در صنعت نفت و برخی صنایع دیگر مانند خودروسازی‌ها تحرک مشهودی دیده نمی‌شد و نوعی ناموزونی میان این دو بخش وجود داشت. با ورود نفت به صحنه مبارزه گام بسیار مهمی در جهت غلبه بر این ناموزونی برداشته شد.

حجم بالای اعتصابات کارگری آن‌هم در شرایطی که طبقه حاکم سیاست سرکوب و احضار و بازداشت و اخراج فعالان کارگری را تشدید و برای صدها تن از کارگران پرونده‌سازی نموده است، نشان داد که با تشدید فشار و سرکوب نمی‌توان کارگران ناراضی و معترض را خاموش ساخت. ارتجاع حاکم دامنه سرکوب را تا آنجا گسترش داد که حتی وکیل کارگران هفت‌تپه را نیز بازداشت و محاکمه کرد. تمام تلاش خویش را برای ایجاد نفاق و دوستگی و جلوگیری از اتحاد کارگران به‌کار بسته است. طبقه حاکم با تحرکات خویش برای سرهم‌بندی کردن تشکلهای جاسوسی به نام شوراهای اسلامی کار در واحدهای مختلف از جمله در فولاد و هفت‌تپه و اخیراً در صنعت نفت، سعی نموده کارگران را کنترل کند. اما هیچ‌یک از این ترندها مانع اعتصابات و مبارزات کارگری و گسترش آن نشده است. مادام که نظم حاکم پابرجاست و مادام که خواست‌های کارگران برآورده نشود، اعتصاب و اعتراض برای تحقق این خواست‌ها نیز ادامه خواهد داشت.

بررسی مبارزات کارگری در دو سال گذشته این واقعیت را اثبات می‌کند که علاوه بر خواست‌های صنفی و اقتصادی، خواست‌های سیاسی نیز در این مبارزات جایگاه مهمی داشته و خصلت سیاسی این مبارزات پررنگ‌تر شده است. پرچم کار و نان و آزادی و آلترناتیو شورایی همچنان در اهتزاز بود. هر جا طبقه کارگر در فراخوان تجمع و طرح این شعار پیش‌قدم شد و ابتکار عمل را در دست گرفت، بلافاصله مورد استقبال سایر زحمتکشان نیز قرار گرفت. اعتمادبهنفس طبقه کارگر تقویت شد. طبقه کارگر گام‌هایی در راستای اتحاد و همراهی با سایر اقشار زحمتکش برداشت و معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار زحمتکش در جبهه کارگران قرار گرفتند. به‌رغم تمام موانع و مشکلات و محدودیت‌های حکومتی و کرونایی، طبقه کارگر با شور و اشتیاق و با قدرت بیشتری به استقبال اول ماه مه رفت و در اشکال متنوعی از جمله حضور خیابانی این روز را گرمی داشت و همبستگی طبقاتی خود را با کارگران سراسر جهان اعلام کرد. در بیانیه‌های متعددی که به این مناسبت انتشار یافت، افزون بر ۹

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

قطعه‌نامه در مورد جنبش کارگری

طرح مهم‌ترین خواست‌های سیاسی و اقتصادی، موضع‌گیری رادیکال علیه استثمار و نظام بهره‌کشی و دفاع قاطع از سوسیالیسم موج می‌زند. بیانیه‌هایی که سرشار از روحیه انترناسیونالیستی و حاکی از رشد و ارتقاء آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر است. مبارزات کارگری طی این دوره بار دیگر نشان داد که طبقه کارگر از این ظرفیت و شایستگی برخوردار است که رهبری تمام جنبش را در دست گیرد.

این واقعیت غیرقابل‌انکاری است که جنبش طبقه کارگر در فاصله دو سالی که از کنفرانس ۱۷ سازمان سپری شده گام‌های بسیار مهمی به جلو برداشته است. مبارزات و اعتصابات کارگری از نظر کمی و کیفی رشدی چشمگیر و در صدر مبارزات توده‌ای قرار داشته است. از نظر آگاهی سیاسی، تشکل و سازمان‌یابی نیز آشکارا رشد نموده و مسیر تکاملی را طی نموده است. در این بازه زمانی طبقه کارگر نه فقط در صحنه سیاسی حاضر و پیش‌تاز بود، بلکه در رأس آرایش سیاسی علیه طبقه حاکم قرار داشته است.

علی‌رغم پیشرفت‌های غیرقابل‌انکار جنبش طبقه کارگر اما هنوز کمبودهای جدی در زمینه آمادگی کامل این طبقه و ابزارهای ضروری اعمال رهبری متشکل آن در تحولات سیاسی و انقلابی که باید تمام نظم موجود را از ریشه براندازد و آن را به پیروزی برساند وجود دارد. برای از میان برداشتن این ضعف‌ها و کمبودها باید با تمام توان تلاش کرد. جمهوری اسلامی به‌رغم آنکه رژیم سرتاپا فاسد و در آستانه فروپاشی کامل است، اما خودبه‌خود سرنگون نمی‌شود. این رژیم را باید با اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت. اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه اما انتهای پروسه‌ای است که با شتاب در جامعه جاری است. اعتصابات سراسری از نمونه اعتصاب فراگیر و سراسری کارگران نفت و گاز و پتروشیمی در حال گسترش است. با ایجاد کمیته‌های کارگری در محل کار و تولید، کمیته‌های اعتصاب و کمیته‌های هماهنگی اعتصاب از نمونه آنچه در برق و مخابرات و پتروشیمی و بخشاً در نفت بوجود آمد، می‌توان و باید اعتصابات کارگری را گسترش داد و نه فقط اعتصاب سراسری در یک‌رشته معین را سازمان داد و زمینه اعتصاب در رشته‌های دیگر را مهیا ساخت بلکه می‌توان زمینه اعتصابات فرا رشته‌ای و پروسه ورود به اعتصاب عمومی سیاسی و سراسری را نیز تسریع کرد. اعضاء، فعالین و هواداران سازمان باید حضور

خود در محیط‌های کارگری را تقویت کنند و علاوه بر ایجاد هسته‌های سرخ کارگری، ایجاد کمیته‌های کارخانه و کمیته‌های اعتصاب و نیز کمیته‌های هماهنگی اعتصاب را در سرلوحه فعالیت‌های کارگری خود قرار دهند. کمیته‌های اعتصاب را در هر کارخانه و کارگاه و در هر پالایشگاه و نیروگاه و پتروشیمی و مرکز نفت و گاز و حفاری ایجاد کنیم و از پیوند این کمیته‌ها، کمیته‌های هماهنگی اعتصابات را سازمان دهیم. ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری از جمله تشکل‌های مستقل در محل کار و تولید و ایجاد تشکل‌های فراواحدی و رشته‌ای و سراسری از میرمترین نیازهای جنبش کارگری و اعتصاب‌های متشکل و سراسری است.

پروسه مبارزه در نفت با سرعت شگفت‌انگیزی در جریان است. اعتصاب درازمدت و سراسری در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی اگرچه فروکش نموده است اما اعتصابات مکرر و پرشمار کارگران پیمانی و پروژه‌ای در این شرکت ادامه یافته و مشعل مبارزه در نفت همچنان فروزان است. صنعت نفت تنها در ظرف کمتر از یک سال و نیم به اندازه چندین سال جلو آمد، از مرحله ایجاد کمیته‌های مخفی و کمیته‌های اعتصاب عبور کرد و وارد پروسه ایجاد کمیته هماهنگی و سازمانده اعتصاب و اعتراض کارگران نفت شد. اعتصابات فراگیر و سراسری در نفت، نوبدبخش گسترش اعتصابات سراسری در سایر رشته‌ها و هموارشدن مسیر اعتصاب سیاسی عمومی و سراسری است. اعتصابات سراسری کارگری و حضور فعال طبقه کارگر در مبارزات جاری و تسخیر تمام فضای سیاسی جامعه، نمادی از نقش و اتوریته طبقه کارگر و تأثیر جنبش این طبقه بر کل جنبش انقلابی است. با گسترش اعتراضات و اعتصابات سراسری در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی، کارگر نفت در مدرسه اعتصاب تجربه می‌اندوزد و برای ایفای نقش مهمی که در جنبش این طبقه دارد، آرام‌آرام خود را تجهیز و آماده می‌کند. تجهیز و آمادگی نیروی کار شاغل در نفت که گردان مهمی از طبقه کارگر ایران است به یک معنا تجهیز و آمادگی کل این طبقه هم هست.

جامعه در تبوتاب یک تحول و دگرگونی عمیق سیاسی و اجتماعی می‌سوزد. انقلاب دق‌الباب کرده است. طبقه کارگر فرصت چندانی ندارد و برای انجام رسالت خویش در برپایی و رهبری انقلاب اجتماعی باید خود را تجهیز و آماده کند، نظم موجود را براندازد و حکومت شورایی خویش را مستقر سازد.

پیام از طرف گروهی از کارگران پیمانی و پروژه‌ای نفت و گاز و حفاری

به کنفرانس ۱۸ سازمان فدائیان- (اقلیت)

رفقا! برگزاری کنفرانس هجدهم سازمان را به‌تمامی شما رفقا، کمونیست‌ها و کارگران آگاه و انقلابی تبریک می‌گوییم. رفقای عزیز، در شرایط کنونی کارگران به‌شدت تحت‌فشارهای هم‌جانبه قرار دارند و در تقابل با هر حرکت و فعالیت و قانون ضد کارگری رژیم، خشم و عصبانیت خود را گاه متوجه ابزار و تجهیزات کار می‌کنند، اگرچه می‌دانیم این شیوه اعتراض کافی و کامل نیست.

در برهه زمانی کنونی ما انتظار داریم رفقای سازمان ارتباط‌های خود را با کارگران بیش‌ازپیش گسترش دهند. در همین رابطه پیشنهاد می‌کنیم با انتشار مرتب اخبار و مسائل مربوط به زندگی کارگران، مصاحبه، پرسش و پاسخ و استفاده از سایر روش‌ها و اشکال و شیوه‌ها، در این راه کوشا باشید تا کارگران بیشتری با سازمان آشنا شوند و یا در تماس مستقیم با سازمان قرار گیرند و ما بتوانیم سازمان را به‌عنوان تنها جایگاه امن و پناه گاه این کارگران معرفی کنیم.

رفقا شما می‌توانید افراد آگاه و انقلابی بیشتری را در مباحث شرکت دهید و با سازمان‌های کارگری و تشکیلات میزگردهای بحث و بررسی مسائل جنبش کارگری، دسترسی کارگران را به اطلاعات و آگاهی بیشتر مهیا سازید.

در پایان دست تمامی رفقا را می‌فشاریم و برگزاری کنفرانس را دستاوردی مهم در این زمان می‌دانیم.

از طرف گروهی از کارگران پیمانی و پروژه‌ای نفت و گاز و حفاری هشت آبان ۱۴۰۰



رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

قطعه‌نامه

در مورد جنبش زنان

۱- در سراسر دوران موجودیت جمهوری اسلامی در ایران، زنان همواره با بی‌رحمانه‌ترین تبعیض، ستم، و سرکوب مواجه بوده‌اند. ایران در زمره معدود کشورهای جهان است که در آن برابری زن و مرد به آشکارترین شکل ممکن نفی شده است. قوانین رسمی جمهوری اسلامی بر نابرابری و تبعیض مهر تأیید زده‌اند. زنان از دسترسی به بسیاری مشاغل و موقعیت‌های اجتماعی و سیاسی محروم شده‌اند. تحت حاکمیت دولت دینی، زنان در همه‌جا، از خانه و محل زندگی گرفته تا خیابان و محیط کار در معرض انواع ستم و خشونت، تحقیر و تبعیض، نابرابری و بی‌عدالتی قرار دارند. دولت دینی حاکم بر ایران که مبلغ و مروج مردسالاری قرون‌وسطایی علیه زنان است، با تصویب قوانین و مقررات ارتجاعی، راه را بر اعمال هرگونه تبعیض و خشونت علیه زنان باز گذاشته است. قوانین دولت دینی، آشکارا مرد را فرمانروای خانه و زن را فرمان‌بر اعلام کرده است. تبعیض و نابرابری و اعمال خشونت علیه زنان، فقط به چهاردیواری خانه و خانواده محدود نمانده است. زنان در بیرون از خانه، در کوچه و خیابان، محل کار نیز با انواع تبعیض، خشونت دولتی و غیردولتی، از سرکوب و تحقیر و توهین گرفته تا تحمیل نوع پوشش مواجه‌اند. جمهوری اسلامی با جداسازی زن و مرد در مراکز عمومی، ستم و تحقیر زنان را به درجه آپارتاید جنسی رسانده است.

۲- در طول دو سال گذشته نیز ستم و تبعیض نسبت به زنان افزایش یافت. در نتیجه نابرابری و تبعیضی که زنان با آن مواجه‌اند، تشدید بحران اقتصادی و پاندمی کرونا، بیشترین آسیب را به زنان وارد آورد و گروه کثیری از زنان کار خود را از دست دادند.

نرخ بیکاری زنان بین ۱۸ تا ۳۵ سال در بهار امسال نسبت به بهار سال ۹۹ با رشد ۳/۵ درصدی به ۲۷/۸ درصد رسید. در همین بازه زمانی سهم بیکاری زنان فارغ‌التحصیل از تعداد کل بیکاران به ۷۱ درصد افزایش یافت. در شرایطی که اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران زیرخط فقر به سر می‌برند، میلیون‌ها زن به ناگزیر در مراکز تولیدی و خدماتی کوچک و زیرزمینی، با دستمزدی بسیار پایین‌تر از حداقل دستمزد رسمی، بدون امنیت شغلی و محروم از هرگونه حمایت قانونی در شرایطی که با آزارهای جنسی و روانی مواجه‌اند، مشغول به کار شده‌اند.

خشونت دولتی و غیردولتی نیز علیه زنان افزایش یافت. به گزارش مرکز آمار ایران، بیش از ۹۶ درصد از موارد همسر آزاری مربوط به زنان بوده است. در حالی که جمهوری اسلامی پیوسته در تلاش برای تقویت فرهنگ و سنت‌های ارتجاعی مردسالارانه است، در سال گذشته لاقول ۳۴۰ زن در جریان قتل‌های موسوم به ناموسی توسط مردان خانواده کشته شدند. این خشونت علیه زنان به اشکال مختلف توسط دولت نیز اعمال شده است. تنها یک نمونه آن سرکوب زنان در خیابان‌ها توسط نیروهای سرکوب ارشاد به بهانه حجاب است که به‌ویژه از هنگامی که رئیسی به قدرت رسید، افزایش یافته است. در این فاصله، دولت دینی حاکم بر ایران، محدودیت‌ها و

در طول تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی در ایران، هزاران زن در مبارزه با رژیم ستمگر جمهوری اسلامی جان باختند و یا سال‌ها در اسارتگاه‌های رژیم به بند کشیده شدند.

مبارزات زنان البته در آبان ۹۸ متوقف نشد. در طول دو سال گذشته، در تمامی تجمعات و تظاهرات خیابانی، از اعتراضات دانشجویان و معلمان گرفته تا بازنشستگان، از اعتراضات پرستاران گرفته تا اعلام همبستگی با اعتصابات کارگران، از حضور در تجمعات اول ماه مه، تجمعات و تظاهرات خیابانی کارگران و سخنرانی در متروها در روز جهانی زن گرفته تا برپایی تجمعات در اعتراض به قتل‌های ناموسی، اعتراض علیه بی‌آبی و خاموشی‌های مکرر برق، از کمبود واکسن و ناپسامی‌های واکسیناسیون گرفته تا هرکجا که صدای اعتراضی برخاست، زنان همواره حضوری فعال و نقش برجسته‌ای برعهده گرفته‌اند. سخنرانی‌های پرشور زنان در تجمعات اعتراضی سال‌های اخیر معلمان، پرستاران، بازنشستگان و مشارکت زنان خانوارهای کارگری در تظاهرات و راهپیمای خیابانی، همواره محرک نیرومندی در تداوم اعتراضات و سوق دادن جنبش به‌پیش بوده است.

ویژگی جنبش زنان در مرحله کنونی فقط در این نیست که تحقق مطالبات زنان را در اتحاد با جنبش‌های اجتماعی دیگر برای سرنگونی رژیم ارتجاعی زن‌ستیز یافته است، بلکه دامنه این جنبش وسعت بی‌سابقه‌ای یافته است. میلیون‌ها زن کارگر، زنان خانوارهای کارگری، عموم زنان زحمتکش، معلمان، پرستاران، زنان سرپرست خانوار و میلیون‌ها زن بیکار و فقیر و تهیدست در شهر و روستا که علاوه بر ستم جنسیتی، زیر شدیدترین فقر و فشار اقتصادی، نابرابری دستمزد و ستم طبقاتی قرار دارند، به مبارزه علنی و فعال بانظم حاکم روی آورده‌اند.

۴- تجربه بیش از ۴۲ سال بی حقوقی زنان و ستمگری جمهوری اسلامی و نظم طبقاتی سرمایه‌داری حاکم بر ایران، به عموم زنان ستمدیده نشان داده است که برای برانداختن هرگونه نابرابری، تبعیض و ستم علیه زنان، راهی جز سرنگونی نظم حاکم وجود ندارد.

سازمان فدائیان (اقلیت) به‌عنوان یک سازمان کمونیست که همواره پیگیرترین مدافع برابری حقوق زن و مرد و رهایی قطعی زن از هرگونه تبعیض، ستم و نابرابری بوده است، برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برپایی یک انقلاب اجتماعی و استقرار یک حکومت شورایی در ایران مبارزه می‌کند که یکی از فوری‌تری وظایف آن، الغاء بی‌درنگ تمام قوانین و مقررات ضد زن، برانداختن هرگونه تبعیض و نابرابری میان زن و مرد و برخورداری زنان از حقوق کامل اجتماعی و سیاسی برابر با مردان است.

کنفرانس هیجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) زنان ستمدیده ایران را به مبارزه‌ای گسترده‌تر و پیگیرتر در اتحاد با طبقه کارگر و عموم زحمتکشان، برای سرنگونی جمهوری اسلامی، برپایی انقلاب اجتماعی و استقرار فوری حکومت شورایی فرامی‌خواند.

فشار بیشتری را بر فعالان جنبش زنان اعمال نمود و تعدادی را به حبس محکوم کرد. ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال نمونه دیگری از آزار جنسی دختران است، که با تأیید و حمایت جمهوری اسلامی افزایش یافته است. بر اساس اعلام مرکز آمار، در سال ۹۹، ازدواج ۳۱ هزار و ۳۷۹ دختر تنها در سنین ۱۰ تا ۱۴ ثبت شده است که این رقم در مقایسه با سال ۹۸ افزایش ۵ / ۱۰ درصدی را نشان می‌دهد. جمهوری اسلامی در این دوره تمام امکانات خود را به خدمت گرفت، تا تعداد هر چه بیشتری از زنان را به زنان خانهدار تبدیل کند. حتی ورود زنان به برخی رشته‌های آموزش عالی را ممنوع کرد. دولت دینی جمهوری اسلامی برای این‌که نشان دهد، در ستمگری و تبعیض علیه زنان لحظه‌ای کوتاه نخواهد آمد، در شهریورماه امسال حتی لغو اجرای سند آموزشی یونسکو را که در بخشی از آن بر پایان دادن به تبعیض و خشونت علیه زنان تأکید، شده بود، رسماً اعلام کرد.

۳- اما به‌رغم تمام ستم و وحشیانه‌ای که در این سال‌ها بر زنان اعمال شده است، زنان، نعتها در مقابل تحمیل انواع تبعیض و ستم و نابرابری جنسیتی سر فرود نیاورند، بلکه برعکس، از همان نخستین روزهای حاکمیت رژیم ارتجاعی زن‌ستیز، به مبارزه علیه نابرابری، تبعیض و ستم برخاستند که تظاهرات بزرگ اسفند سال ۵۸ نمونه درخشان آن است. از آن‌پس زنان در همه‌جا، از خانه گرفته تا کوچه و خیابان، از مبارزه فردی علیه قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز گرفته تا مبارزه‌های جمعی و متشکل در تشکلهای مستقل زنان و مبارزه در صفوف سازمان‌های سیاسی مخالف رژیم حاکم، علیه دولت دینی زن‌ستیز پاسدار نابرابری زن و مرد، از ایستادگی در مقابل مناسبات مردسالاری حاکم بر خانواده گرفته تا درگیری با پلیس و دیگر مزدوران رژیم برای نفی قوانین و مقررات ارتجاعی ضد زن و حصول به برابری، به مبارزه ادامه داده‌اند.

دی‌ماه ۹۶، نقطه عطف جدیدی را در مبارزات زنان گشود. موج نوینی از زنان جوان مبارز و رادیکال که با ادعاهای پوشالی رفرمیستی زنان بورژوا- لیبرال و بورژوا مذهبی طرفدار رژیم تسویه‌حساب کرده بودند، به جنبش توده‌ای اعتراضی در خیابان‌ها برای سرنگونی جمهوری اسلامی روی آوردند و اتحاد خود را با دیگر جنبش‌های اجتماعی تحکیم کردند. در بطن همین مبارزات بود که پدیده "دختران انقلاب" نیز برای برداشتن علنی حجاب اجباری شکل گرفت. حضور فعال زنان در قیام شکوهمند آبان ۹۸ که در بسیاری از موارد در نقش رهبران جنبش ظاهر شدند و تعدادی نیز جان باختند، نمونه درخشان دیگری از مبارزه قهرمانانه زنان بوده است.

پیام شرکت کنندگان در کنفرانس هجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) به خانواده های جان فشانندگان فدائی، زندانیان سیاسی و خانواده های جنبش دادخواهی

درودهای بی کران ما - شرکت کنندگان در کنفرانس هجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) بر شما خانواده های جان فشانندگان فدائی و جان فشانندگان راه آزادی و سوسیالیسم باد! شما، خانواده هایی که به رغم تحمل رنج ها و سختی های بسیار، همواره بر آرمان های مبارزاتی فرزندان برومندتان پای فشردید و با از خودگذشتگی و فداکاری و عزمی استوار در زنده نگه داشتن یاد و خاطره تابناک آنان گام برداشتید. درود بی کران بر شما بیاد!

دروود بر شما و درود بر استقامت و پایداری تان، که طی دهه های متمادی رنج کشیدید، اذیت و آزار دیدید، در جلوی بیدادگاه ها دو رژیم سلطنتی و ارتجاع اسلامی به انتظار ماندید، آواره این زندان و آن زندان شدید، توهین و تحقیر شنیدید، اما هرگز از پای ننشستید. شما یانی که استوار ماندید و با پایداریتان به ما آموختید که پرچم مبارزاتی فرزندان راست قامت تان هرگز بر زمین نخواهد ماند. آنچه در این سال های سرکوب و کشتار و مرگ بر فرزندان شما و رفقای دلاورمان رفت، چه آنهایی که در راه آزادی و سوسیالیسم جانفشانی کردند و چه آنهایی که در زندان ها حماسه آفرینند، هرگز از خاطره ها نخواهد رفت. فرزندان قهرمان شما، جملگی شیر زنان و مردانی بودند که با علم به رهایی طبقه کارگر و توده های زحمتکش به بیکاری بی امان با نظم استوارگرانه سرمایه داری و دولت های حامی آنان به مبارزه برخاستند. رفقای قهرمانی که استقامت شان در بیدادگاه های پهلوی و ارتجاع اسلامی الگویی برای ما و دیگران شد و مقاومت و پایداری شان در زیر شلاق و داغ و درفش، آنچنان حماسه گشت که بازجویان و شکنجه گران آنان را نیز به حیرت در آورد. رفقای جان برکفی که در دفاع از آزادی و سوسیالیسم و وفاداری به منافع طبقه کارگر و توده های زحمتکش اگرچه از جان گذشتند؛ اما جملگی "عاشق ترین زندگان" تمامی این سال ها بوده اند. عاشقانی که از برگ برگ جان شان سرودی ساختند سر سبزتر از جنگل. از این رو، ما شرکت کنندگان در کنفرانس هجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن وفاداری به آرمان های سوسیالیستی رفقای گرانقدرمان، همراه با بر افراشته نگه داشتن پرچم سرخ مبارزاتی آنان علیه نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، به مقاومت، بزرگی و پایداری شکوهمند شما، خانواده های جان فشانندگان راه آزادی و سوسیالیسم درود می فرستیم. درود بر شما بیاد!

رفقای زندانی، زندانیان سیاسی، مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم!

گرمترین و صمیمانه ترین درودهای کمونیستی ما - شرکت کنندگان در کنفرانس هجدهم سازمان فدائیان (اقلیت) بر شما باد! شما رفقا و رزمندگانی که با ایمان به آزادی و سوسیالیسم با عزمی استوار علیه جمهوری اسلامی و نظم سرمایه داری حاکم بر ایران به مبارزه برخاسته اید. شما یانی که به جرم دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان مورد یورش قرار گرفتید، شکنجه و شلاق را تجربه کردید، در سلول های انفرادی ماندید و سپس در بیدادگاه های جمهوری اسلامی با محاکمات چند دقیقه ای به حبس و زندان محکوم شدید. درود بر استقامت و پایداری تان باد!

رفقای زندانی، مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم! هجدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) در شرایطی برگزار شده است که اوضاع سیاسی کشور به شدت متلاطم است. بحران انقلابی سرتاپای نظام را فرا گرفته است. وخامت اوضاع بیش از هر زمان دیگری شتاب گرفته است. اقتصاد کشور فرو ریخته، خزانه دولت خالی، سفره ها کوچک، بیکاری گسترده و مردم به صورت روزانه فقیر و فقیرتر می شوند. در چنین وضعیتی پر تلاطمی که جمهوری اسلامی در آن دست و پا می زند، صدای اعتراضات در زندان و بیرون از زندان بلند و بلندتر شده است، اقتدار رژیم فرو ریخته، بگیر و ببند، کارایی سابق خود را از دست داده، و بازداشت و زندان و محاکمات قضایی ترسی در دل مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم، فعالان سیاسی و کنشگران اجتماعی ایجاد نمی کند. کارگران، معلمان، دانشمندان و در گستره ای وسیعتر توده های مردم ایران در مقابل جمهوری اسلامی صف آرای کرده و روند رو به رشد اعتراض و مقاومت و ایستادگی لایه های مختلف جامعه، هیئت حاکمه ایران را به ستوه آورده است. در چنین شرایطی که سیاست های جمهوری اسلامی از هر سو با شکست مواجه شده است، کابینه ابراهیم رئیسی که با هدف شدت بخشیدن به سرکوب و بگیر و ببند در جامعه بر مسند ریاست جمهوری منصوب شد، هرگز قادر به برون رفت از بحران های متعدد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود نیست. حال در وضعیتی که جامعه آستان یک تحول اجتماعی است، روشن است که مقاومت و ایستادگی شما در درون زندان ها و شکنجه گاه های جمهوری اسلامی ضربه دیگری بر پیکر فرتوت این نظام سرکوبگر و ارتجاع اسلامی است. درود بی کران بر استقامت و پایداریتان باد!

مادران خاوران! خانواده های جنبش دادخواهی!

دروود بی کران ما - شرکت کنندگان در هجدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) - بر شما باد! شما، مادران خاوران و خانواده های بزرگ جنبش دادخواهی که بیش از چهار دهه است در مقابل بیدادگری های جمهوری اسلامی، به داد نشستید. شما یانی که به نیروی جان به دادخواهی ایستاده اید، با عزمی استوار پرچم دادخواهی را در خاوران برافراشتید و طی سالیان دراز، بی اعتنا به تمامی رنج ها، سختی ها و سرکوبگری های جمهوری اسلامی، بیدادگری های این رژیم ستمگر را به گوش مردم ایران و جهانیان فریاد زدید. درود بر استقامت و پایداریتان باد! شما مادران و خانواده هایی که گل های خاوران را با آب دیدگان تان آب دادید، با پرچم جان در مقابل ستمگران ایستادید، با چنگ و دندان خاوران و خاوران های بی نام و نشان را پاسداری کردید و نگذاشتید گلزار جان فشانندگان راه آزادی و سوسیالیسم با یورش بیدادگران محو و نابود گردد. از یاد نبریم که با همت و ایستادگی و مقاومت شما مادران خاوران بود، که مادران ۷۸ جان گرفتند، مادران ۸۸ به صف شدند، مادران خیزش دیماه ۹۶ قد کشیدند، مادران قیام شکوهمند آبان ۹۸ قامت برافراشتند و مادران جان باختگان هواپیمای سرنگون شده اوکراینی به جمع خانواده بزرگ دادخواهی پیوستند. درود بی پایان بر شما و پایداریتان باد! شما یانی که فریاد دادخواهی تان از مرزها گذشت و اکنون همانند صاعقه ای بر سر بیدادگران جمهوری اسلامی فرود آمده است.

باید به یاد داشت، اگر فریاد دادخواهی شما نبود، هرگز حمید نوری در سوئد دستگیر و محاکمه نمی شد. محاکمه حمید نوری - از قاتلان کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ - که این روزها با حضور ده ها شاکلی و شاهد در کشور سوئد بر گزار می شود، جلوه ای از فریاد بلند جنبش دادخواهی شما مادران خاوران است، که اینگونه در جهان بازتاب یافته است. محاکمه حمید نوری تنها برگی از کتاب قطور جنایات جمهوری اسلامی است. آنچه مسلم است، محاکمه بیدادگران جمهوری اسلامی در فردای سرنگونی انقلابی این رژیم ستمگر با برپایی دادگاه های واقعی در داخل ایران رقم خواهد خورد. دادگاه هایی که با حضور شما مادران خاوران و همه خانواده های بزرگ جنبش دادخواهی برگزار خواهد شد تا از بیدادگران جمهوری اسلامی داد بستانیم. با امید به فرا رسیدن این روز بزرگ تاریخی، ما - شرکت کنندگان در هجدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت) - یک بار دیگر بر شما مادران خاوران و دیگر خانواده های جنبش دادخواهی درود می فرستیم. درود گرم ما بر استقامت و پایداریتان باد!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

شرکت کنندگان در هجدهمین کنفرانس سازمان فدائیان (اقلیت)

آبان ۱۴۰۰

پیام فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) – داخل کشور به هجدهمین کنفرانس سازمان

رفقای سازمان فدائیان (اقلیت)، شرکت‌کنندگان در کنفرانس هیجده سازمان، دروهای گرم و رفیقانه همراه با شادباش‌های ما را به مناسبت برگزاری نشست سراسری سازمان (کنفرانس هجدهم) پذیرا باشید.

هجدهمین کنفرانس سازمان ما در شرایطی برگزار می‌شود که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی همچنان با بحران‌های متعددی در عرصه داخلی و منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای دست‌به‌گریبان است.

فجایی که این رژیم در طول ۴۳ سال حاکمیت ننگین خود به بار آورده بی‌شمارند. از سرکوب و زندان و کشتار هزاران انسان مبارز و انقلابی گرفته تا تحمیل زندگی زیر خط فقر بر اکثریت کارگران و زحمتکشان. از گسترش بی‌سابقه فقر گرفته تا بیکاری چندمیلیونی و سایر مصائب فزاینده اجتماعی.

بحران اقتصادی روزبه‌روز عمیق‌تر شده است. تورم و گرانی روزمره، توده کارگران و زحمتکشان و تهیدستان را به خاک سیاه نشانده است. افزایش مداوم و سرسام‌آور قیمت کالاها و مایحتاج زندگی، توده‌های زحمتکش مردم را حتی از تأمین اندک معاش ابتدایی و روزانه نیز ناتوان ساخته است. تضادهای طبقاتی به نحو کم‌سابقه‌ای تشدید شده و به مرحله ستیز رسیده است. در شرایطی که میلیون‌ها خانواده کارگری و توده‌های زحمتکش در فقر و گرسنگی مداوم به سر می‌برند، سرمایه‌داران و مقامات دزد و فاسد جمهوری اسلامی در بالاترین سطح رفاه و خوش‌گذرانی به زندگی خود ادامه می‌دهند.

رفقا

جامعه ایران چنانکه همه می‌دانید در یک دوران انقلابی به سر می‌برد. قیام سراسری آبان سال ۹۸ نشان داد که توده‌های زحمتکش مردم نه‌فقط دیگر نمی‌خواهند رژیم حاکم را تحمل کنند، بلکه برای برچیدن رژیم جمهوری اسلامی، وارد عمل شدند و به خیابان آمدند. توده‌های زحمتکش مردم، جوانان، بیکاران، کارگران و تهیدستان جامعه با دست زدن به اقدامات شجاعانه، در مبارزه علیه نظم موجود حتی از جان خویش نیز گذشتند. قیام آبان ۹۸ اگر چه وحشیانه سرکوب شد، اما اوضاع متلاطم سیاسی همچنان ادامه یافته است. اعتراضات توده‌ای در شهرهای مختلف، اعتراضات خیابانی از نوع اعتراضات سراسری معلمان، اعتراضات پر شمار بازنشستگان رشته‌های مختلف، اعتراضات پرستاران و امثال آن پیوسته در حال افزایش است. کارگران در بخش‌ها و صنایع مختلف هر روز دست به اعتصاب و تجمع و راهپیمایی می‌زنند. اعتصابات کارگری در پتروشیمی‌ها، حفاری‌ها، پالایشگاه‌ها، سکوی نفت و گاز، حمل‌ونقل، مخابرات، شهرداری‌ها، هفت‌تپه، معادن و سایر بخش‌ها پیوسته در حال افزایش بوده است. اعتصاب بزرگ و سراسری و کننظیر کارگران پروژه‌های و پیمانی نفت چشم‌انداز امیدبخشی را فراروی جنبش طبقه کارگر گشوده است.

رفقای عزیز

همه می‌دانیم که علی‌رغم کمیت بالای اعتصابات کارگری و پیشرفت‌های انکارناپذیر جنبش کارگری اما طبقه کارگر هنوز از حزب طبقاتی خود محروم است. طبقه کارگر هنوز به‌عنوان یک طبقه متشکل و آگاه با اهداف سیاسی روشن علیه نظم موجود به پا نخواستار است. این نقص و خلأ بزرگی است که مسئولیت برطرف کردن آن بر عهده کارگران آگاه و کمونیست و فعالین و دوستداران طبقه کارگر است. سازمان ما و همه کمونیست‌ها بویژه کارگران آگاه و پیشرو باید انرژی خود را بیشتر از گذشته به این موضوع اختصاص دهند و یاری‌رسان متشکل شدن طبقه کارگر باشند. نجات طبقه کارگر و کل زحمتکشان جامعه، درگرو تشکل و انسجام و آگاهی طبقه کارگر است. با گسترش اعتصابات سراسری کارگری، برافراشتن پرچم اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه علیه تمام نظم موجود و برپایی یک انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه کارگر است که می‌توان تمام نظم پوسیده موجود و طبقه حاکم را به زیر کشید و از شر مصائب این نظام رهایی یافت.

رفقای سازمان، شرکت‌کنندگان در کنفرانس

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور، انتظار داریم که اجلاس هیجدهم سازمان به‌مثابه مشعلی فروزان و روشنی‌بخش، راه عملی مبارزه طبقه کارگر و رسیدن به اهداف جنبش طبقاتی کارگران و سرنگونی بورژوازی را روشن و تسهیل نماید. ما فعالین و هواداران سازمان نیز به سهم خود برای عملی ساختن رهنمودها و انجام وظایف انقلابی در راه تحقق اهداف و آرمان‌های سرخ سازمان مبارزه نموده و تمام تلاش خود را به کار خواهیم بست.

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره همه رفقای جان‌باخته سازمان و رفیق افشین اسدی (رفیق مازیار) که در شب ۲۳ فروردین ۱۴۰۰ با مرگی نابهنگام و زودرس در حالی که ۵۳ سال بیشتر نداشت صفوف ما را ترک نمود، پیوند تنگاتنگ خود را با اندیشه‌های سرخ تابناک رفقا مستحکم می‌سازیم و تأخرین نفس برای تحقق آرمان‌های سوسیالیستی و نابودی هرگونه ظلم و ستم و استثمار به مبارزه ادامه می‌دهیم.

رفقای سازمان، شرکت‌کننده در کنفرانس هیجدهم، درود ما بر شما باد. پیروز باشید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد حکومت شورایی

زنده‌باد آزادی، زنده‌باد سوسیالیسم

فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور

مهرماه ۱۴۰۰

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

قطعه‌نامه در مورد چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران و وظایف سازمان ما

رژیم چنان ضربه خورده است، که این همه سرکوب، کشتار و زندان نیز نتوانسته آن را ترمیم کند. شرایط عینی برای سرنگونی رژیم به سرعت آموخته می‌شود. گرچه هنوز موقعیت انقلابی به همراه اشکال مبارزاتی مختص آن فرانسیده است، اما با توجه به تمام شرایط عینی و رشد و اعتلای مبارزات، این مرحله نیز به زودی فرا خواهد رسید. چشم‌انداز برپایی یک انقلاب اجتماعی در ایران نزدیکتر و روشن‌تر شده است. این ارزیابی سیاسی کنفرانس هفدهم در طول دو سال گذشته کاملاً به اثبات رسید.

۲- تنها دو ماه پس از کنفرانس هفدهم سازمان، اعتلای مبارزه توده‌ای و ژرفای بحران سیاسی به مرحله‌ای رسید که در اواخر آبان ماه سال ۹۸ صدها هزار تن از توده‌های مردم ایران در سراسر ایران به قیام روی آوردند.

۵ روز تقریباً تمام در ۲۸ استان، بیش از ۱۰۰ شهر کشور و بیش از ۷۰۰ نقطه، سنگربندی‌های خیابانی، درگیری با نیروهای مزدور سرکوب، تظاهرات توده‌ای، حمله توده‌های قیام‌کننده به مراکز ارگان‌های نظامی، دستگاه فریب و تحمیق مذهبی و بانک‌ها رخ داد. صدها پایگاه بسیج، سپاه و پلیس، دفاتر امام‌جمعه، مساجد و مراکز تبلیغ خرافات مذهبی، بانک‌ها، وسایل حمل‌ونقل نیروی پلیس و پمپ‌بنزین مورد حمله قرار گرفتند و به آتش کشیده شد. توده‌های مردم با یورش به این مراکز و به آتش کشیدن آن‌ها، نفرت عمیق خود از نظام سرمایه‌داری و مراکز مالی آن و انزجار از نهادهای حافظ نظم موجود را به نمایش گذاشتند. خصلت ضد سرمایه‌داری، ضد استبدادی و ضد دولت دینی قیام از مراکزی که مورد حمله قرار گرفت به خوبی آشکار بود. قیام سراسری، تمام نظم موجود را مورد تهدید جدی قرارداد.

۳- گستردگی قیام در سراسر ایران، رادیکالیسم، جرئت و شجاعت، فداکاری، از خودگذشتگی و قهرمانی مردم در جریان این قیام، انعکاسی از عمق بحران سیاسی فراگیر بود. این بدان معنا بود که یک موقعیت انقلابی در ایران شکل گرفته است. با قیام آبان ماه، توده‌های مردم ایران در سراسر کشور آشکارا نشان دادند که دیگر نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند. نشان دادند که بحران سیاسی فراگیر، عمومی و سرتاسری است. نشان دادند که می‌خواهند سرتاپای نظم موجود را ویران کنند. نشان دادند که حتی آماده روی‌آوری به قیام مسلحانه‌اند. طبقه حاکم نیز از مدت‌ها پیش آشکار ساخته بود که دیگر نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. تمام سیاست‌های طبقه حاکم و هرگونه اصلاح و تعمیر نظم موجود ناممکن شده است. سرکوب و کشتار هم دیگر قادر نیست این سیل خروشان مبارزه را مهار کند. هیچ راهی برای نجات جمهوری اسلامی از بحران‌های متعددی که احاطه‌اش کرده‌اند و بن‌بستی که در آن گرفتار شده، وجود ندارد.

۴- به رغم سرکوب و کشتار بی‌رحمانه مردم در جریان این قیام که به مرگ ۱۵۰۰ تن و

دستگیری حدود ده هزار تن از مردم انجامید، اما رژیم نتوانست مانع از ادامه مبارزات توده‌های مردم ایران گردد. سرکوب و کشتار وحشیانه مردم توسط رژیم در جریان این قیام، دریایی از خون میان توده‌های مردم و طبقه حاکم فاصله انداخت که دیگر پر شدنی نیست. مبارزه، پیگیرانه ادامه یافت. دانشجویان در ۱۶ آذر مبارزات پدافند ملی را در دفاع از قیام آبان ماه و مبارزات کارگران سازمان دادند. پی آمد آن اعتراضات گسترده دی‌ماه به‌ویژه در تهران در پی سقوط هواپیمای مسافربری توسط نیروهای مسلح رژیم بود. حتی بیماری مرگبار کرونا نیز نتوانست مانع از ادامه مبارزه برای سرنگونی رژیم باشد. به رغم وقف‌های بسیار کوتاه، این مبارزه ادامه یافت و جنبش فراگیر ترشد.

کارگران در صدها مورد به اعتصاب، تجمع و راهپیمایی روی آوردند. کارگران مجتمع نیشکر هفت‌تپه اعتصابی را برپا کردند که ۷۰ روز ادامه یافت. در مردادماه ۹۹ کارگران هم‌زمان در ده‌ها پالایشگاه و واحد پتروشیمی در سراسر کشور به اعتصاب متوسل شدند. اعتصاب و تظاهرات کارگران معادن زغال‌سنگ کرمان یک نمونه دیگر بود. برجسته‌ترین این مبارزات کارگری در تیرماه سال جاری رخ داد که ده‌ها هزار کارگر گرفت، گاز و پتروشیمی در متجاوز از صد واحد تولیدی یک اعتصاب سراسری برپا کردند که سه هفته ادامه یافت و از حمایت عمومی کارگران سراسر ایران برخوردار گردید. مبارزات کارگری در اشکال متنوع، همچنان پیگیرانه در سراسر کشور، ادامه دارد.

تظاهرات توده‌ای گسترده‌ای که از ۲۴ تیرماه سال جاری در خوزستان آغاز شد و بیست شهر این استان را فراگرفت و متجاوز از دو هفته ادامه یافت، یک نمونه برجسته دیگر از مبارزات قهرمانانه مردم ایران، علیه نظم حاکم بر ایران بود. این تظاهرات، موجی از همبستگی مبارزاتی را با مردم خوزستان در سراسر ایران برانگیخت.

در شهرهای بیش از ۱۵ استان کشور، توده‌های زحمتکش مردم، در حمایت از مطالبات و مبارزات مردم خوزستان به تظاهرات خیابانی روی آوردند و علیه جمهوری اسلامی شعار سر دادند.

در این دوره، بازنشستگان نیز چندین ماه پی‌درپی تجمع‌های اعتراضی و تظاهرات، برپا کردند و شعارهای ضد دولتی سر دادند. معلمان و پرستاران در موارد متعدد به اعتصاب و تجمعات اعتراضی متوسل شدند.

نقشی که زنان در مبارزات دو سال گذشته ایفا کرده‌اند، یکی از نقاط برجسته این مبارزات بوده است. حضور گسترده و فعال زنان در قیام آبان ماه ۹۸ یکی از رویدادهای مهم سال‌های اخیر بود. در برخی شهرها و مراکز قیام، زنان رهبری مبارزات را نیز بر عهده داشتند. در اغلب تظاهرات و تجمعاتی که تا به امروز در سراسر ایران در جریان بوده است، همواره نیروی فعال این جنبش‌ها زنان بوده‌اند. زنان در

این تجمعات و تظاهرات در ابعادی وسیع حضور یافته و با سخنرانی‌ها و سردادن شعارها جمعیت را به ادامه مبارزه برانگیخته‌اند. این فقط در مبارزات معلمان یا پرستاران نیست که زنان نقش مهمی را در سازمان‌دهی مبارزات بر عهده‌دارند. همین واقعیت را در جنبش دانشجویی، در مبارزات بازنشستگان و دیگر جنبش‌ها نیز به وضوح می‌توان دید. کم نیست نمونه‌هایی که حتی زنان خانواده‌های کارگری در تجمعات و تظاهرات کارگری فعالانه مشارکت داشته‌اند. زنان با حضور فعال در این مبارزات عمیقاً دریافته‌اند که نمی‌توانند بدون اتحاد با جنبش‌های اجتماعی دیگر، بدون اتحاد با جنبش نیرومند طبقه کارگر و بدون مبارزه مشترک با عموم کارگران و زحمتکشان برای سرنگونی دولت دینی که بنیادش بر نابرابری میان زن و مرد گذاشته شده است، ستم، تبعیض و نابرابری را براندازند. آن‌ها دریافته‌اند که تنها این اتحاد و برپایی یک انقلاب اجتماعی است که می‌تواند نه فقط برابری حقوق را برای زنان به ارمغان آورد، بلکه به رهایی قطعی زن از هرگونه ستمی بیانجامد.

اکنون دامنه نارضایتی از نظم حاکم به درجه‌ای وسعت یافته که بخش بزرگی از اقشار میانی جامعه نیز به اعتراض و تظاهرات خیابانی روی آورده‌اند. تحریم فعال و گسترده خیمه‌شببازی انتخاباتی رژیم نمونه دیگری از عمق نارضایتی عمومی مردم ایران از نظم سیاسی حاکم بر ایران است. این تحریم در عین حال نشان داد که توازن قوا میان اردوی انقلاب و ارتجاع ضدانقلابی حاکم کاملاً به نفع انقلاب برهم‌خورده است و اکثریت بسیار بزرگ مردم ایران خواهان برافتادن نظام سیاسی حاکم بر ایران‌اند. یک چنین تحریمی تنها در یک موقعیت انقلابی، در شرایطی می‌توانست رخ دهد که مردم هرگونه اعتماد به طبقه حاکم و سیستم سیاسی آن را از دست داده‌اند و می‌خواهند نظم موجود را برچینند و نظام دیگری را جایگزین آن کنند. اکنون دیگر سراسر ایران صحنه مبارزه توده‌های کارگر و زحمتکش علیه نظم ارتجاعی حاکم است.

۵- در حالی که در طول دو سال گذشته مبارزه کارگران و زحمتکشان پیوسته وسعت و اعتلا یافته، بحران‌ها عمیق‌تر و موقعیت رژیم روزبه‌روز وخیم‌تر شده است، بحران اقتصادی نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران، مدام ژرف‌تر شد. در نتیجه عمیق‌تر شدن رکود اقتصادی، تولید ناخالص داخلی در طول دو سال گذشته، با سقوط دهم‌صدی مواجه بود. نرخ رسمی و دولتی تورم سالانه به‌طور متوسط حدود ۴۰ درصد اعلام شده است. این افزایش نرخ تورم در واقعیت همواره متجاوز از ۵۰ و حتی ۶۰ درصد بوده است. در این فاصله ورشکستگی مالی دولت نیز به رغم چوب حراج زدن به دارایی‌های عمومی، به مقیاس بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. بدهی دولت به حدود یک تریلیون تومان افزایش یافته است. نسبت بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۹ به ۵۲ درصد رسید. کسری بودجه سال جاری نیز سیصد هزار میلیارد تومان برآورد شده است.

در نتیجه تعمیق بحران اقتصادی رکودتوری و

قطعه‌نامه در مورد چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران و وظایف سازمان ما

ادامه سیاست نئولیبرال، در دو سالی که گذشت، فقر در جامعه ایران، ابعاد وسیع‌تری به خود گرفت. با مدنظر قرار دادن خط فقر ۱۲ میلیون تومان در هرماه، اکنون متجاوز از ۸۰ درصد مردم ایران در زیرخط فقر قرار گرفته‌اند. در طول دو سال گذشته میلیون‌ها تن بر تعداد بیکاران افزوده شده است. در سال ۹۹ ریزش بی‌سابقه‌ای در بخش شاغلان صنعتی کشور رخ داد و بیش از ۵۰۰ هزار نفر شغل خود را از دست دادند. در بخش کشاورزی ۲۵۰ هزار نفر و در بخش خدمات در حدود ۷۵۰ هزار نفر بیکار شدند. اکنون حتی بر طبق آمار رسمی و قلابی دولتی، کمتر از ۲۳ میلیون از جمعیت ۸۵ میلیونی کشور شاغل‌اند. تشدید و تعمیق رکود در بخش‌های مختلف اقتصادی و تولیدی، نه فقط میلیون‌ها تن دیگر از شاغلین را به‌صفت میلیونی بیکاران پرتاب نموده، بلکه سطح زندگی و معیشت کارگران شاغل را نیز به نحو دهشتناکی تنزل داده و نارضایتی و روحیه اعتراضی را در تمام سطوح کارگران و زحمت‌کشان و تهیدستان جامعه افزایش داده است. شکاف فقر و ثروت در جامعه ایران به درجه‌ای عمیق شده که تاکنون سابقه نداشته است. به‌رغم افزایش و گسترده‌ی فقر، پیوسته بر حجم سرمایه و ثروت سرمایه‌داران افزوده شده است. تنها در یک سال گذشته حجم سرمایه و ثروت بزرگترین سرمایه‌داران، ۳ / ۲۴ درصد افزایش یافته است. این ثروت هنگفت حاصل استثمار بی‌رحمانه نیروی کارآرزان و محروم از حقوق کارگری، بورس بازی‌های شیدانه، غارت و چپاول ثروت‌های عمومی در زد و بند با دستگاه دولتی سرتاپا فاسد بوده است. این شکاف عمیق فقر و ثروت، تضادهای آشتی‌ناپذیر طبقاتی را حادث‌تر از هر زمان دیگر کرده است.

جمهوری اسلامی علاوه بر بحران‌های همه‌جانبه‌ای که از مدت‌ها پیش با آن‌ها روبه‌رو بوده است، در این فاصله، با بحران کرونا نیز مواجه شده است که آشکارتر از تمام بحران‌های اقتصادی و اجتماعی موجود عمق ورشکستگی، ناتوانی، فساد و ازهم‌گسیختگی نظم حاکم بر ایران را به نمایش گذاشت. باگذشت نزدیک به دو سال از شیوع این بیماری در ایران هیچ چشم‌انداز نزدیکی برای کنترل و مهار این بیماری که تاکنون جان متجاوز از ۲۰۰ هزار تن از مردم ایران را گرفته است، دیده نمی‌شود. رژیم جنایتکار حاکم بر ایران، تا مدت‌ها حتی از خرید واکسن برای نجات جان مردم ایران سرباز زد تا از این طریق نیز میلیاردها دلار به جیب شرکت‌های داروسازی داخلی وابسته به باندهای طبقه حاکم سرازیر شود.

نظم اقتصادی-اجتماعی و سیاسی حاکم بر ایران بیش از آن پوسیده و ازهم‌گسیخته است که بتواند حتی بحران‌های عمیق موجود را تعدیل کند. بحران زیست‌محیطی یکی دیگر از فجایعی است که نظم سرمایه‌داری و سیاست‌های جمهوری اسلامی در ایران به بار آورده‌اند. عواقب این بحران به اشکال مختلف خود را در سراسر

ایران نشان داده و جان و زندگی مردم را دچار مخاطرات جدی نموده است. بحران آب در خوزستان که اعتراضات گسترده مردم این استان را نیز در پی داشت، یکی از عواقب وخیم این بحران زیست‌محیطی است.

۶- درحالی‌که جمهوری اسلامی با بحران‌های متعدد و ژرف روبه‌رو است و مبارزات توده‌های کارگر و زحمتکش پیوسته اعتلای نوینی یافته، اختلاف و شکاف در درون طبقه حاکم نیز افزایش یافته است. اکنون جناحی از هیئت حاکمه تحت رهبری خامنه‌ای در تلاش است که برای غلبه بر بحران‌های موجود و امواج مبارزات توده‌ای که موجودیت رژیم را مورد تهدید جدی قرار داده است، نخست اختلافات و کشمکش‌های درونی هیئت حاکمه را حل کند و با کنار نهادن گروه‌ها و جناح‌های رقیب از مهم‌ترین ارگان‌های دستگاه دولتی و گماردن هارترین جنایت‌کاران وابسته به این جناح در رأس حساس‌ترین ارگان‌ها و نهادهای دولتی، تمرکز بیشتری را در دستگاه دولتی ایجاد کند. اما همان‌گونه که تلاش‌های شکست‌خورده پیشین طبقه حاکم نشان داده است، این اقدامات نیز نه قادر است بر اختلافات و تضادهای درونی طبقه حاکم در شرایطی که یک بحران سیاسی ژرف جامعه را فراگرفته است، غلبه کند و نه بحران‌ها و مبارزاتی را که ریشه‌های عمیق دارند، حل نماید. هرچه مبارزات توده‌ها اعتلای بیشتری می‌یابد و هر چه بحران سیاسی کنونی عمیق‌تر می‌شود، تضادها و شکاف‌های درونی طبقه حاکم، ضرورتاً حادث‌تر و عمیق‌تر خواهد شد.

۷- جمهوری اسلامی در طول دو سال گذشته نیز آشکارا نشان داده است که طبقه حاکم نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم ایران حکومت کند. جامعه ایران نیاز به تغییر و دگرگونی دارد و شرط نخستین هر تغییری برافتادن دولت دینی پاسدار نظام سرمایه‌داری است که از هر جهت ورشکستگی، ناتوانی، بی‌اعتباری سیاسی و پوسیدگی خود را برملا کرده است. به‌رغم تلاش‌های مذبحانه جمهوری اسلامی برای بقای خود با تکبیر قهر دولتی، این رژیم راهی برای نجات و سرنوشتی جز سرنوشتی قریب‌الوقوع ندارد. هرچه بیشتر مقاومت کرده است، توده‌های کارگر و زحمتکش، مصمم‌تر، متشکل‌تر و آگاهانه‌تر به نبرد برای سرنوشتی آن ادامه داده‌اند.

۸- همان‌گونه که اشاره شد، جامعه ایران در درون یک موقعیت انقلابی به سر می‌برد، نیاز به تغییر و دگرگونی جامعه یک ضرورت مبرم است و تمام شرایط عینی برای روی‌آوری توده‌ها به انقلاب فراهم شده است. اگر تاکنون تأخیری در وقوع این انقلاب رخ داده است، به علت عقب‌ماندگی شرایط ذهنی است. عامل ذهنی، سطح آگاهی و تشکل و نقش رهبری طبقه انقلابی همواره عامل مهمی در تسریع روند وقوع انقلاب است و نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی انقلاب اجتماعی ایفا می‌کند. آنچه تاکنون در ایران شاهد آن بوده‌ایم، عقب‌ماندگی و تأخیر عامل ذهنی

نسبت به شرایط عینی است. در ایران تنها یک طبقه، طبقه کارگر است که رسالت رهبری جنبش و انقلاب را بر عهده دارد. اما به‌رغم این‌که در کوران مبارزات سال‌های اخیر، خودآگاهی طبقه کارگر پی‌درپی افزایش یافته و سطح آگاهی، همبستگی و تشکل طبقه کارگر ارتقاء یافته است، اما در نتیجه سلطه چندین دهه دیکتاتوری عریان طبقه حاکم، طبقه کارگر هنوز نتوانسته به آن حد از آگاهی و تشکل که نیاز پیشرفت شرایط عینی انقلاب است، دست یابد، نقش رهبری‌کننده را در جنبش در دست بگیرد و آن را به‌سوی برپائی انقلاب رهبری کند. لذا این عقب‌ماندگی عامل ذهنی از عامل عینی، مهم‌ترین علت در تأخیر وقوع انقلاب تاکنون بوده است. این البته نافی این واقعیت نیست که انقلاب مستقل از اراده و آگاهی طبقات و اقشار جامعه، در نتیجه تشدید تضادهای درونی جامعه، حتی در غیاب آمادگی شرایط ذهنی رخ می‌دهد.

تشدید تضادها، عمیق‌تر شدن بحران سیاسی، گسترش دامنه اعتراضات و اعتلای روزافزون سطح مبارزات توده‌های مردم ایران به‌وضوح نشان می‌دهد که هر آن ممکن است در پی هر جرقه‌ای این انقلاب در ایران رخ دهد. همان‌گونه که قیام آبان ماه سال ۹۸ و اعتصاب سراسری تیرماه کارگران نفت، گاز و پتروشیمی نشان داد، اعتصابات توده‌ای و سیاسی در شرایط سیاسی کنونی می‌تواند هر لحظه شکل بگیرد. همین اعتصابات می‌توانند سریعاً به اعتصابات سیاسی سراسری ارتقاء یابند و شرایط را برای روی‌آوری توده‌ها به قیام و سرنوشتی جمهوری اسلامی فراهم سازد.

۹- برای تسریع روند برپائی انقلاب و تضمین نقش رهبری طبقه کارگر در شرایطی که رژیم دیکتاتوری عریان می‌کوشد هرگونه تلاش کارگران را برای ایجاد تشکل‌های علی‌در هم شکنند و پیشروان کارگری را مورد تعقیب و سرکوب قرار دهد، ضروری است که از هم‌اکنون در تمام کارخانه‌ها و مؤسسات خدماتی کمیته‌های مخفی کارخانه و کمیته‌های اعتصاب را ایجاد و تقویت کرد و رابطه میان تشکل‌های کارگری را در مؤسسات مختلف مستحکم ساخت. این وظیفه مهم بخش پیشرو و آگاه جنبش کارگری در شرایط کنونی است. این البته نافی استفاده از هر وسیله‌ای برای متشکل شدن کارگران در مقیاس سراسری، از جمله استفاده از شبکه‌های اجتماعی نیست که کارگران به‌خوبی از آن بهره می‌گیرند. اما هیچ‌چیز نمی‌تواند جای سازمان‌دهی و تشکل کارگران را در نقطه تولید و محل کار بگیرد. فقط این تشکل‌ها قادرند تحت هر شرایطی خود را حفظ و به وظایف خود عمل کنند.

در همین حال ضروری است که در شرایط سیاسی کنونی، برای تحکیم اتحاد مبارزاتی معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، دانشجویان و بیکاران با جنبش طبقاتی کارگران تلاش کرد. اتحاد تمام جنبش‌های اجتماعی کنونی ایران با جنبش اجتماعی بزرگ طبقه کارگر، شرط پیروزی انقلاب و تحقق خواسته‌های عموم توده‌های مردم ایران خواهد بود.

۱۰- وظیفه سازمان ما در دوره پس از کنفرانس ۱۵

قطعه‌نامه در مورد چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران و وظایف سازمان ما

هیجدهم که یکی از حساس‌ترین دوره‌های تحولات سیاسی در ایران خواهد بود، تلاش گسترده نظری و عملی برای برپائی انقلاب اجتماعی کارگری و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان خواهد بود. تلاش بی‌وقفه برای ارتقاء سطح آگاهی و تشکل کارگران با استفاده از تمام امکانات تبلیغی و ترویجی و فعالیت عملی اعضاء، فعالان و هواداران سازمان در داخل کشور، همچنان وظیفه اساسی سازمان خواهد بود. شعارهای تاکتیکی سازمان از جمله شعار کار - نان آزادی - حکومت شورایی اکنون به اصلی‌ترین شعار کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. تاکتیک‌های مختص کارگری، ایجاد تشکل‌های مخفی کارگری، تلاش برای برپائی اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی، قیام مسلحانه توده‌ای نیز، هم‌اکنون بخشاً به شعار کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. باید باز هم این شعارها را تبلیغ و ترویج کرد و برای عملی کردن آن‌ها تلاش نمود. باید برای تبلیغ و ترویج مواضع سازمان علاوه بر انتشارات مکتوب و استفاده از وسایل دیگر از نمونه سایت‌های اینترنتی و تلویزیون، بخش‌های خارج از کشور سازمان در دوره آتی علاوه بر فعالیت‌های همیشگی، فعالیت گسترده‌تری را در شبکه‌های اجتماعی سازمان بدهند.

پراکندگی صفوف کمونیست‌ها همچنان یکی از معضلات جنبش کمونیستی ایران است. همکاری سازمان ما با چند سازمان دیگر در شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست گرچه در طول دو سال گذشته ادامه داشته، اما نتوانسته از محدوده دو سال پیش فراتر رود. سازمان ما باید برای غلبه بر این پراکندگی تلاش بیشتری مبذول دارد و اتحادهای خود را با سازمان‌های کمونیست، چپ و انقلابی گسترش دهد. سازمان ما همچون گذشته وظیفه خود می‌داند که در تلاش برای تحقق انقلاب اجتماعی کارگری و استقرار یک نظم سوسیالیستی در ایران، پیگیرانه مواضع و نگرش‌های جریانات بورژوازی و خردبورژوازی را مورد نقد قرار دهد و تاکتیک‌های آن‌ها را که برای ایجاد انحراف در جنبش کارگری و انقلابی تلاش می‌کنند، خنثی سازد.

راهی برای نجات مردم ایران از فجایی که نظم سرمایه‌داری و دولت پاسدار منافع سرمایه‌داران آفریده‌اند، جز یک انقلاب اجتماعی کارگری وجود ندارد. چشم‌انداز وقوع این انقلاب با پیدایش موقعیت انقلابی، بیش از هر زمان دیگر، نزدیکتر شده است.

پیام هسته‌ی امیر پرویز پویان به کنفرانس ۱۸ سازمان فدائیان (اقلیت)

با درود و افتخار به‌تمامی رفقا، کادرها و دوست داران سازمان و همه‌ی رفقای حاضر در کنفرانس ۱۸ سازمان فدائیان (اقلیت)

رفقای عزیز!

در همین آغاز یادآور شویم کنفرانس ۱۸ سازمان در شرایطی برگزار می‌شود که سرمایه‌داری ایران در بحران کم‌سابقه و عمیقی دست‌وپا می‌زند. پیامدهای ناشی از این بحران، طبقه کارگر و سایر زحمتکشان را با انبوهی از مشکلات و معضلات اقتصادی و اجتماعی روبرو ساخته است. اجرای سیاست‌های نو لیبرالیسم جهانی، حاکمیت ارتجاع مذهبی، فساد دستگاه حاکم، رانت‌خواری و پول‌شویی، تورم بالای ۵۰ درصد و هم‌زمان فقر و فلاکت عمومی، کاهش قدرت خرید مردم، فرودست‌تر شدن قشر متوسط اجتماعی و ریزش کم‌سابقه آن به درون طبقه کارگر، جوانان بیکار و بی امید به آینده، تشدید نابرابری و تبعیض و رنج و ستم و نهایتاً زندگی مبتنی بر مزد بگیری و استثمار و بهره‌کشی، طبقه کارگر و اکثریت آحاد زحمتکشان را به تنگ آورده و به اعتراض کشانده است. در تمام یک دهه گذشته نمی‌توانید روزی را بیابید که در آن اعتصاب و اعتراض کارگری و توده‌ای رخ نداده باشد. تحمیل مشقات بی‌شمار و گوناگون، سخت‌تر شدن شرایط زندگی راهی جز اعتراض و مبارزه برای تغییر آن باقی نگذاشته است. اعتصابات و تجمعات اعتراضی و گسترش یابنده کارگری، اعتراضات خیابانی و تجمعات سراسری معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار زحمتکش شاهد همین مدعاست. راه دیگری جز گسترش اعتصابات و اعتراضات، تشدید مبارزه و روی‌آوری به اعتصابات و مبارزات سراسری وجود ندارد. تنها اعتصابات سراسری و گذار به اعتصاب عمومی سیاسی است که می‌تواند ضربات کاری بر رژیم حاکم وارد سازد و راه را برای قیام مسلحانه کارگران و زحمتکشان که آگاهی سیاسی آن‌ها ارتقا یافته و تجارب ارزنده‌ای را از سر گذرانده‌اند، هموار سازد.

رفقای عزیز

خیزش توده‌ای دی‌ماه ۹۶، قیام سراسری آبان ۹۸ و به دنبال آن اعتراضات گسترده توده‌ای درده‌ها شهر و استان کشور از نمونه خیزش توده‌ای در شهرهای خوزستان، بویژه گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری در نفت و گاز و پتروشیمی، معادن، حمل‌ونقل، هفت‌تپه، برق، راه‌آهن و دیگر رشته‌ها و مؤسسات صنعتی و خدماتی، نمود روشنی از شرایط متلاطم سیاسی و اجتماعی و فشارت‌دهنده قیام و انقلابی است که از راه می‌رسد و ما باید برای آن آماده شویم و در این نبرد بزرگ سهم خود را ادا کنیم. انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری و انتصاب مستقیم گماشته‌خامنه‌ای بدون بازی‌های رقابتی و ظاهرسازی‌های گذشته، نشان داد که رژیم حاکم به آخر خط رسیده است.

رفقا!

سال‌ها تلاش و تداوم مبارزه، از خودگذشتگی و از جان مایه گذاشتن شما عزیزان، همواره امیدبخش و انرژی‌بخش ما فعالین و پیروان راه و مرام فدایی بوده است که مستقیماً با رنج‌ها، مشقت‌ها و سختی‌های بی‌شمار و گوناگون دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. مبارزه مستمر شما رفقا در زمینه‌ها و بخش‌های مختلف در صفوف سازمان، سبب هموارسازی مسیر مبارزه ما و کاهش‌دهنده دشواری‌های آن بوده است. با امید به آینده‌ی روشن و رسیدن به اهداف سوسیالیستی و آرمان‌های والا و انسانی سازمان فدائیان (اقلیت) و با این امید که پیروزی را دوشادوش هم در ایران جشن بگیریم، با شما عزیزان پیمان می‌بندیم ما رفقای هسته رفیق امیر پرویز پویان در راه مبارزه آشتی‌ناپذیر با نظام سرمایه‌داری حاکم و برای تحقق اهداف سازمان یک‌قدم عقب ننشینیم. ما و شما و همه‌ی رفقا در سنگر سازمان فدائیان (اقلیت) باید یکوشیم بازنده نگه‌داشتن راه و آرمان سرخ فدایی، پرچمدار شایسته‌ای برای جنبش کمونیستی ایران و در مبارزه علیه بورژوازی حاکم باشیم. ما رفقای متشکل در هسته رفیق امیر پرویز پویان ضمن گرامی‌داشت یاد و نام جان‌فشنان فدایی، امیدواریم کنفرانس هیجده سازمان با موفقیت برگزار شود و حاوی مباحث و دستاوردهای راهگشا باشد.

درود بر شما رفقای حاضر در کنفرانس

زنده‌باد آزادی

زنده‌باد سوسیالیسم

زنده‌باد سازمان فدائیان (اقلیت)

هسته امیر پرویز پویان

مهرماه ۱۴۰۰

زنده باد سوسیالیسم

قطعنامه در مورد چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران و وظایف سازمان ما

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

https://t.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 944 November 2021

خواهد کرد که بار آن نیز بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار خواهد گرفت. جمهوری اسلامی تنها در عرصه اقتصادی با بن‌بست مواجه نیست. پوسیدگی رژیم به درجه‌ای رسیده که تمام ارکان دولت غرق در فساد و دزدی است. دیگر هیچ توهمی به رژیم و جناح‌های آن در میان توده‌های وسیع مردم وجود ندارد. جمهوری اسلامی در میان مردم به‌کلی رسوا و مفتضح است. اتوریته در صفحه ۱۳

۱- سند سیاسی مصوب کنفرانس هفدهم سازمان از چشم‌انداز تحول اوضاع سیاسی در ایران و وظایف سازمان نتیجه گرفته بود:
" تمام شواهد موجود نشان می‌دهند که بحران اقتصادی عمیق‌تر و رکود شدیدتر خواهد شد. سطح معیشت کارگران باز هم تنزل خواهد یافت. بیکاری افزایش می‌یابد و نرخ تورم از آنچه که اکنون هست، فراتر خواهد رفت. کاهش درآمد دولت از نفت، بحران مالی دولت را عمیق‌تر



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدینوسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد. و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیونهای، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه های خود را بر روی این کانال ماهواره ای پخش خواهد کرد. برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فدائیان - اقلیت و شبکه های اجتماعی فیسبوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی / سمبول ریت 27500 .
FEC: 2/3

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و اشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat
Frequency: 12594
Polarization: Vertical/ عمودی
Symbol Rate: 27500
FEC: 2/3

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی